

حقوق پیش‌گیری از بزهکاری در ایران

امیرحسین نیازپور*

چکیده: پیش‌گیری از بزهکاری بیش از سه دهه است که با بنیانی علمی نظری وارد گستره علوم جنائی شده است و بیشتر قانون‌گذاران تلاش کرده‌اند تا این مفهوم را به متون رسمی - قانونی وارد کنند. قانون‌گذار ایرانی نیز از سال ۱۳۳۹ خورشیدی تاکنون پیش‌گیری از بزهکاری را با رویکردهایی متفاوت و گاه متضاد وارد پهنه سیاست جنائی ایران کرده است. البته این رویکردهای متعدد و متضاد نسبت به پیش‌گیری از بزهکاری سیاست جنائی ایران را در این زمینه دچار سرگردانی کرده است. این نوشتار کوشیده است تا رویکرد (خبرگان) قانون اساسی، قانون‌گذار و نهادهای اجرایی - قضائی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: پیش‌گیری از بزهکاری، مقررات فراتقنینی، مقررات تقنینی، مقررات فروتقنینی، رویکرد واکنشی و رویکرد کنشی، رویکرد امنیتی، رویکرد اجرایی، رویکرد قضائی، رویکرد مدیریتی.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

درآمد

بزهکاری پدیده‌ای اجتماعی-انسانی است که همه جوامع بشری از گذشته تا امروز با آن روبه‌رو بوده‌اند. این جوامع تا هنگام تولد مکتب تحقیق و پیدایش جرم‌شناسی برای مبارزه با این پدیده تنها از ابزارهای واکنشی (کیفری) استفاده می‌کردند. به گونه‌ای که در برهه‌ای از زمان تشدید سیاست کیفری و خشن بودن زرادخانه کیفری به عنوان راهکاری برای مقابله با بزهکاری مطرح شد. اما به دلیل ناموفق بودن ابزارهای واکنشی برای کاهش میزان بزهکاری استفاده از ابزارهای کنشی به منظور پیش‌گیری از وقوع این پدیده از سوی جرم‌شناسان مورد توجه قرار گرفت. از آن پس سیاست‌گذاران جنائی نیز برای مبارزه با پدیده بزهکاری، پیش‌گیری را به عرصه سیاست جنائی وارد کردند. پیش‌گیری از بزهکاری با توجه به نگرش‌های گوناگونی که در میان جرم‌شناسان وجود دارد به دو صورت موسع و مضیق (عام و خاص) تعریف شده است. پیش‌گیری از بزهکاری، در معنای موسع، شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هاست که از ارتکاب جرم جلوگیری کند. بدین سان، هر اقدام کیفری (واکنشی) یا غیرکیفری (کنشی) مطابق این تعریف در گستره پیش‌گیری از بزهکاری جای می‌گیرد. اما پیش‌گیری از بزهکاری در معنای مضیق فقط دربرگیرنده مجموعه تدابیر و اقدام‌های غیرکیفری (کنشی) با هدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نیز تأثیرگذاری بر فرصت‌های پیش‌جنائی است، به گونه‌ای که بتوان با استفاده از سازوکارهای کنشی (غیرکیفری) بر شخصیت افراد و موقعیتهای پیش از ارتکاب جرم تأثیر گذاشت. تاکنون در زمینه دسته‌بندی پیش‌گیری از بزهکاری گونه‌های متعددی از سوی جرم‌شناسان مطرح شده است. شماری از جرم‌شناسان با الهام از دانش پزشکی الگوی سه‌گانه پیش‌گیری (نخستین، دومین، سومین) از بزهکاری را بیان کرده‌اند و برخی دیگر تقسیم‌بندی پیش‌گیری از بزهکاری به دوگونه کنشی و واکنشی را ارائه داده‌اند. امروز

تقسیم‌بندی اخیر بیشتر مدنظر جرم‌شناسان است. «پیش‌گیری واکنشی» که از نظر ذاتی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌گردد. این پیش‌گیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزه‌کار می‌گذارد به دو گونه «پیش‌گیری واکنشی عام» و «پیش‌گیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود. پیش‌گیری واکنشی عام که به آن بازدارندگی عام نیز گویند یک «پیش‌گیری واکنشی جمع‌مدار» (گروه‌مدار) است که با مخاطب قرار دادن شهروندان (تابعان حقوق کیفری) از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی به دنبال پیش‌گیری از بزه‌کاری نخستین افراد است. پیش‌گیری واکنشی خاص که بازدارندگی خاص نیز نامیده می‌شود یک «پیش‌گیری واکنشی مجرم‌مدار» است که با اعمال کیفر بر فرد بزه‌کار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی درصدد پیش‌گیری از بزه‌کاری دوباره افراد (پیش‌گیری از تکرار جرم) است. «پیش‌گیری کنشی» که از حیث ماهوی اقدامی پیشینی است، با مداخله در فرایند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه اعمال می‌شود. این پیش‌گیری به دو گونه «پیش‌گیری اجتماعی» و «پیش‌گیری موقعیت‌مدار» تقسیم می‌شود. پیش‌گیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقدامهایی است که با مداخله در فرایند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیش‌گیری از بزه‌کاری است.^(۱) پیش‌گیری موقعیت‌مدار دربرگیرنده مجموعه تدابیر و اقدامهایی است که با مداخله در اوضاع و احوال پیرامونی جرم و موقعیتهای پیش‌جنائی به دنبال منصرف کردن بزه‌کاران احتمالی از ارتکاب جرم است.^(۲) پیش‌گیری از بزه‌کاری به طور ضمنی از سال ۱۳۳۹ خورشیدی

۱. برای آگاهی بیشتر رک: نیازپور (امیرحسین)، *پیشگیری از بزه‌کاری دو قانون اساسی و لایحه*

پیش‌گیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷-۱۳۹.

۲. برای آگاهی بیشتر رک: گسن (رمون)، *روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل جرم*، ترجمه ←

وارد گستره قانون‌گذاری ایران شده اما در گفتمان دانشگاهیان به‌ویژه از دهه ۷۰ خورشیدی مورد توجه قرار گرفته است. خبرگان قانون اساسی نیز از رهگذر قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم به آن اشاره کرده‌اند ولی از هنگام تدوین آن تاکنون هیچ اقدام جدی‌ای در زمینه اجرائی کردن آن صورت نگرفته است. گرچه در حال حاضر لایحه‌ای توسط کمیسیون پیش‌گیری از وقوع جرم مرکز مطالعات توسعه قضائی به منظور اجرای آن با «رویکردی علمی - جرم‌شناختی» تدوین شده است^(۱) و این امید را به وجود آورده است که سیاست جنائی تقنینی ایران در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری پس از دو دهه از حالت سرگردانی خارج شده و به سوی انسجام و عملیاتی شدن گرایش پیدا کرده است.

به هر حال، از آنجا که امروزه از یک سو کشور ایران به گواهی آمار جنائی - خواه رسمی و خواه غیررسمی - با افزایش میزان بزهکاری روبه‌رو شده است و از سویی دیگر تلاش‌های غیرمنسجم و ناهم‌گرایی که تاکنون از طرف نهادهای مرتبط با پیش‌گیری از بزهکاری صورت گرفته در کاهش میزان بزهکاری - به طور کلی - مؤثر نبوده است، گرایش به سوی اتخاذ سیاستی متمرکز در این راستا می‌تواند به عملیاتی شدن پیش‌گیری از بزهکاری و کاهش شمار جرائم بیش از پیش کمک کند.

از این رو، با توجه به اینکه از سال ۱۳۳۹ خورشیدی تاکنون پیش‌گیری از بزهکاری در مقررات ایران برای خود جای پای گشوده است در این نوشتار «حقوق پیش‌گیری از بزهکاری در ایران» در سه فصل در پرتو مقررات فراققنینی، تقنینی و فروعقنینی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تا از این رهگذر

← نجفی‌ابرنادآبادی (علی‌حسین)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹-۲۰، ۱۳۷۶، ص ۶۰۷-۶۲۸.

۱. لایحه مذکور تحت عنوان «پیش‌گیری از وقوع جرم» اکنون در هیئت دولت در حال بررسی است.

رویکرد تدوین‌کنندگان این مقررات نسبت به پیش‌گیری از بزهکاری از گذشته تا حال تبیین شود.^(۱)

فصل نخست - پیش‌گیری از بزهکاری در پرتو مقررات فراتقنینی

قانون‌گذار ایرانی در مقررات فراتقنینی (قانون اساسی) به پیش‌گیری از بزهکاری توجه کرده است. از این رو، در مقدمه قانون اساسی، شماری از اصول کلی این قانون و بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون مذکور پیش‌گیری از بزهکاری پیش‌بینی شده است.

قانون‌گذار ایرانی در قسمت امر قضا از مقدمه قانون اساسی با بیان عبارت «پیش‌گیری از انحرافات موضعی» به مقوله پیش‌گیری از بزهکاری اشاره کرده است. در این قسمت بیان شده است که: «مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیش‌گیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی...» پیداست که قانون‌گذار ایران در این قسمت از مقدمه قانون اساسی پیش‌گیری از انحرافات موضعی را برای پاسداری از حقوق مردم به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه برشمرده است، ولی با توجه به عبارت «پیش‌گیری از انحرافات موضعی» این پرسشها مطرح می‌شوند که آیا منظور قانون‌گذار ایرانی از انحرافات موضعی همان بزهکاری است؟ و دیگر اینکه آیا عبارت پیش‌گیری از انحرافات موضعی با پیش‌گیری از بزهکاری مترادف است؟ پیش از اینکه به این دو پرسش پاسخ داده شود لازم است که واژه انحراف کمی دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد. انحراف که کج‌روی یا کژروی نیز نامیده می‌شود از حیث لغوی خم

۱. برای آگاهی بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، *پلیس و امنیت عمومی* (سیزگرد)، مجله امنیت، شماره ۱۷-۱۸ و ۱۶-۱۵، ۱۳۷۹ و همچنین رک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، *تقریرات مباحثی در علوم جنائی*، جلد نخست، به کوشش شهرام ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۷۲۵-۷۲۹.

شدن، کج شدن و برگشتن به طرفی معنا شده است^(۱)، اما از نظر اصطلاحی دور شدن از هنجارها و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی است. به دیگر سخن، به رفتار هنجارشکن و نقض‌کننده ارزشهای اخلاقی و اجتماعی انحراف گویند. بنابر این، انحراف دربرگیرنده کنش‌هایی است که از هنجارها و ارزشهای یک گروه اجتماعی ویژه پیروی نمی‌کند.^(۲) انحراف و بزهکاری از یک سو باهم همانند و از سویی دیگر باهم متفاوت می‌باشند. دو پدیده مذکور از این حیث که به دور شدن از هنجارهای اجتماعی می‌انجامد باهم همانند هستند ولی از این نظر که بزهکاری واکنشی کیفی را به دنبال دارد با انحراف که از واکنشی اجتماعی برخوردار است متفاوت می‌باشند.^(۳) منظور قانون‌گذار ایرانی از انحرافات موضعی^(۴) که در مقدمه قانون اساسی به آن اشاره کرده است انحراف از ارزشها و اصول عقیدتی است. بدین ترتیب، عبارت پیش‌گیری از انحرافات موضعی مندرج در قسمت امر قضا ناظر بر آن دسته از تدابیر و اقدامهایی است که به پیش‌گیری از کج‌رویه‌های عقیدتی و ارزشی بینجامد. بنابر این، مقنن ایرانی برای مبارزه با بزهکاریهای عقیدتی تشکیل نظام قضائی را پیش‌بینی کرده است تا با مجازات بزهکاران سیاسی از ارزشهای اسلامی پاسداری شود.

مبحث اول - رویکرد اجرائی قانون اساسی به پیش‌گیری از بزهکاری

خبرگان قانون اساسی افزون بر توجه به پیش‌گیری از انحرافات موضعی در مقدمه قانون اساسی با نهادن یک سری وظایف بر عهده قوه مجریه - که می‌توانند در پیش‌گیری از بزهکاری نقش مهمی ایفا کنند - با رویکردی

۱. عمید (حسن)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۱۶۲.

۲. کلدی، (علیرضا)، انحراف، جرم و پیش‌گیری، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۸۱، ص ۵۲.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، تقریرات جرم‌شناسی (دوره دکتری)، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۳.

اجرائی نیز به مقوله پیش‌گیری از بزهکاری توجه کرده‌اند.

هر رفتاری که از سوی انسان سر می‌زند از یک‌سری عوامل فردی یا محیطی سرچشمه می‌گیرد. بدین شکل که فرد در اثر تأثیرپذیری از این عوامل از خود واکنش نشان می‌دهد.^(۱) بزهکاری نیز به عنوان پدیده‌ای فردی - محیطی از جمله رفتارهای انسان است که تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی پدید می‌آید.

عوامل فردی دربرگیرنده مجموعه عواملی است که از ویژگیهای فردی - انسانی بزهکار ناشی می‌شود. این می‌تواند جنبه سرشتی و یا اکتسابی داشته باشد. به دسته نخست، عوامل زیستی و به دسته دوم عوامل روانی گویند.^(۲) عوامل محیطی دربرگیرنده آن دسته عواملی است که از ویژگیهای محیطی مانند: محیط سیاسی، محیط اجتماعی و غیره سرچشمه می‌گیرد. توجه به تأثیرگذاری عوامل محیطی بر پیدایش بزهکاری از دهه نخست قرن نوزدهم میلادی آغاز گردید. از آن هنگام تا امروز پژوهشهای بسیاری در این زمینه انجام شده است. این عوامل بر اساس دسته‌بندی نوینی که از آن ارائه شده به دو گونه «محیط طبیعی - جغرافیایی» و «محیط اجتماعی» تقسیم می‌شوند. گونه نخست، که معمولاً انسان در پدیدآوردن آن نقشی ندارد، دربرگیرنده شرایط آب و هوایی، جغرافیایی و اقلیمی‌ای است که تا اندازه‌ای بر بزهکاری تأثیرگذار می‌باشند. از این رو، جرم‌شناسان سالهاست که به دنبال یافتن میزان تأثیر این شرایط بر رفتار مجرمانه و اشکال آن هستند.^(۳)

گونه دوم که انسان پدیدآورنده آن است نقش بسزایی در پیدایش رفتار

۱. نیازپور (امیرحسین)، *بزهکاری به هادت و پیشگیری از آن*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد،

دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۶۴.

۲. نیازپور (امیرحسین)، *همان*، ص ۶۵.

۳. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، *پیشگیری عادلانه از جرم*، علوم جنائی (مجموعه مقالات)،

انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳، ص ۵۷۱.

انسان و شکل آن ایفا می نماید. این دسته به دو گونه محیط اجتماعی عمومی و محیط اجتماعی فردی تقسیم می گردد. محیط اجتماعی عمومی دربرگیرنده اوضاع و احوال کلی جامعه است که برای همه شهروندان نتیجه ای مشترک به دنبال دارد. برای نمونه؛ شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه ای رفتار و کردار خاصی را پدید آورده و گسترش می دهند.^(۱) محیط اجتماعی فردی، محیطی است که به فرد بسیار نزدیک می باشد. این محیط برای هر فرد نسبت به دیگری متفاوت است و به چهارگونه محیط دوری ناپذیر مانند خانواده؛ گزینشی مانند محیط کار؛ اتفاقی مانند مدرسه و تحمیلی مانند زندان دسته بندی می شود.^(۲) همان گونه که پیش تر بیان گردید پیش گیری اجتماعی یکی از گونه های پیش گیری کنشی (غیرکفوری) است. این پیش گیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از ارتکاب جرم است.^(۳) به دیگر سخن، پیش گیری اجتماعی بر کاهش یا از بین بردن عوامل فردی و محیطی جرمزا تمرکز می کند. این پیش گیری را «پیش گیری کنشی فردمدار» نیز گویند. زیرا هدف پیش گیری اجتماعی تأثیرگذاری بر فرایند شکل گیری و تکامل نظام شخصیتی افراد می باشد. بدین سان، پیش گیری اجتماعی دربرگیرنده اقدامهایی است - خواه مستقیم یا غیرمستقیم - که هدفشان تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از شکل گیری انگیزه های مجرمانه در آنها جلوگیری کند.^(۴) بنابر این، پیش گیری اجتماعی درصدد است با بهره جستن از تدابیری در زمینه بالا بردن سطح آموزش، کاهش یا از بین بردن فقر، اشتغال زایی، فرهنگ سازی و حمایت از

۱. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، همان، ص ۵۷۹.

۲. برای آگاهی بیشتر رک: نیازپور (امیرحسین)، همان، ص ۷۸۷۶.

۳. نیازپور (امیرحسین)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، همان، ص ۱۳۸.

۴. گسن (رمون)، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، همان، ص ۶۱۱.

افراد ویژه آنها را با قواعد اجتماعی هم‌نوا سازد. بدین ترتیب، پیش‌گیری اجتماعی با استفاده از تدابیر و اقدامات کنشی (غیرکیفری) به دنبال شخصیت‌سازی، مردم‌آمیزی و جامعه‌پذیری افراد است.

این پیش‌گیری به دو گونه «پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار» و «پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار» دسته‌بندی می‌شود. پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار که به آن پیش‌گیری زود هنگام (زودرس) نیز گفته می‌شود در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری به هنگام اقدامات حمایتی از پایداری رفتارها و گرایشهای مجرمانه در افرادی که در سنین پایین و دوران کودکی دچار ناسازگاری، کج‌روی و بزهکاری زودرس شده‌اند، جلوگیری نماید.^(۱) پیش‌گیری مزبور، بر این فرض مبتنی است که پیش‌رسی کودکان در ناسازگاری، کج‌روی و بزهکاری، پایداری بزهکاری و گرایشهای مجرمانه را در آنها نوید می‌دهد. از این رو، برای پیش‌گیری از به عادت شدن بزهکاری در افراد باید از رهگذر مداخله‌های روان - اجتماعی زود هنگام آنها را به سوی اجتماعی شدن هدایت کرد. این پیش‌گیری را «پیش‌گیری کنشی تربیت‌مدار»^(۲) نیز می‌نامند زیرا پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار با هدف قرار دادن کودکان مسئله‌دار^(۳) (کودکان در معرض خطر بزهکاری) و بهره‌گیری از «تدابیر آموزشی - پرورشی» به دنبال آموزش مهارت‌های زندگی - اجتماعی به کودکان مسئله‌دار و پدران و مادران آنهاست تا از این رهگذر چنین افرادی به درستی تربیت شوند. بنابر این، این گونه از پیش‌گیری به دنبال احیا و تقویت شرایط آموزش و پرورش طبیعی کودکان مسئله‌دار است.^(۴) پیش‌گیری

۱. نیازپور (امیرحسین)، *پیش‌گیری زود هنگام از پایداری از رفتارهای مجرمانه*، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۱، ۱۳۸۳، ص ۱۲.

2. Education - based proactive prevention.

۳. کودکان مسئله‌دار یا مشکل‌دار افراد کمتر از هجده سال هستند که به دلیل برخورداری از شرایط ویژه فردی و اجتماعی در معرض خطر بزهکاری قرار دارند.

۴. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، همان، ص ۵۷۹.

اجتماعی جامعه‌مدار (محیطی) که از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است دربرگیرنده اقدامهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیش‌گیرنده‌ای است که نسبت به محیطهایی که فرد در آنها زندگی می‌کند اعمال می‌شوند.^(۱) این پیش‌گیری در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر و اقدامهای مناسب برای از بین بردن یا کاهش عوامل جرم‌زا بر محیط اثر گذارد. بدین ترتیب، این پیش‌گیری از یک سو، با شناسایی عوامل محیطی تأثیرگذار بر بزهکاری و از سویی دیگر، با اعمال اقدامهای مرتبط با ساختارها و نهادهای اجتماعی به دنبال اجتماعی کردن افراد می‌باشد. بنابر این پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار با این فرض که ساختارها و نهادهای اجتماعی در پیدایش بزهکاری نقش بسزایی ایفا می‌کنند درصدد است با تغییر این ساختار و نهادهای اجتماعی گرایشهای مجرمانه در افراد از بین برود یا با کاهش روبه‌رو گردد.^(۲) از این رو، رویارویی با شرایط نامناسب اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی مانند، فقر، بی‌کاری، بی‌مسکنی، بی‌سوادی و تغییر آنها در گستره پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار جای می‌گیرد.

خبرگان قانون اساسی نیز هنگام تدوین قانون اساسی در مقدمه این قانون و برخی از اصول کلی قانون مذکور با نهادن برخی وظایف بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران به دنبال پیش‌گیری از بزهکاری بوده‌اند. بدین سان، تدوین‌کنندگان قانون اساسی با «رویکردی اجرائی» و از رهگذر فرهنگ‌سازی، آموزش و پرورش، بهبود شرایط اقتصادی (فقرزدایی)، اشتغال‌زایی و تأمین مسکن) و حمایت از اشخاص ویژه به پیش‌گیری از بزهکاری توجه نموده‌اند.

در این مبحث طی چهار گفتار جداگانه نقش فرهنگ‌سازی، آموزش و

۱. همان، ص ۵۷۰.

۲. گراهام (جان)، راهبردهای پیش‌گیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه مؤسسه تحقیقات علوم جزائی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۱.

پرورش، بهبود شرایط اقتصادی و حمایت از افراد ویژه در پیش‌گیری از بزهکاری و جایگاه آنها در قانون اساسی مطرح می‌شود.

گفتار نخست - فرهنگ‌سازی

فرهنگ از نظر لغوی تعلیم و تربیت، ادب، معرفت و دانش معنا شده است^(۱) اما از حیث اصطلاحی مجموعه پیچیده‌ای از دانش، عقیده‌ها، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و هر عادت دیگری که انسان - به عنوان عضوی از جامعه - به دست می‌آورد را در برمی‌گیرد.^(۲) فرهنگ هر جامعه بنیان نظام اجتماعی و نظام روانی آن جامعه به شمار می‌رود. از این رو، فرهنگ در شکل‌گیری ساختارها و نهادهای اجتماعی، شخصیت افراد و حتی رفتار آنها نقش بسزایی ایفا می‌کند. به دیگر سخن، محیط فرهنگی که دربرگیرنده همه جنبه‌های فرهنگی هر جامعه؛ یعنی دانش، عقیده‌ها، سنتها، آداب و رسوم، اخلاقیات و نهادهای فرهنگی است به گونه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت افراد و نوع رفتار آنها تأثیرگذار می‌باشد. بدین ترتیب افزون بر محیط اجتماعی فردی، محیط فرهنگی نیز - که یکی از گونه‌های محیط اجتماعی عمومی است - در پیدایش بزهکاری مؤثر می‌باشد. از این رو، فرهنگ‌سازی در جامعه بدین منظور که نظام شخصیتی افراد به درستی شکل گیرد و آنها به سوی جامعه‌پذیری سوق داده شوند بسیار ضروری است. یکی از ابزارهای مهمی که معمولاً جامعه‌های انسانی (بشری) و دولتها برای تحقق چنین امری به طور عام و پیش‌گیری از بزهکاری به طور خاص استفاده می‌کنند رسانه‌های گروهی - یعنی صدا و سیما، مطبوعات، نشریه‌ها و غیره - است. به دیگر سخن، رسانه‌های گروهی از یک سو، با شناسایی و تحلیل معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و از سوی دیگر با

۱. عمید (حسن)، همان، ص ۷۶۹.

۲. صانعی (پرویز)، جامعه‌شناسی اوزشها، انتشارات گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۷۲، ص ۵۰۲.

اتخاذ تدابیر و به کارگیری اقدامات مناسب می‌توانند در کاهش میزان بزهکاری نقش مهمی ایفا کنند.^(۱) بدین سان، رسانه‌های گروهی به دلیل برخورداری از مخاطبان زیاد می‌توانند به اجتماعی کردن مردم کمک کنند. تدوین کنندگان قانون اساسی در مقدمه قانون مذکور و شماری از بندهای اصل سوم این قانون وظایفی را برای دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه فرهنگ‌سازی - که می‌تواند به پیش‌گیری از بزهکاری نیز بینجامد - پیش‌بینی کرده‌اند. در ادامه موارد مزبور بیان می‌شوند.

الف - رسانه‌های دیداری و شنیداری

امروزه به دلیل رشد دانش ارتباطات و اطلاعات، صدا و سیما افزون بر کارکرد تفریحی - سرگرمی از کارکرد آموزشی - تربیتی نیز برخوردار می‌باشد. زیرا به دلیل گسترش زندگی شهرنشینی و حضور کمتر پدران و مادران در خانه بخشی از کارکرد اجتماعی کردن افراد - که در گذشته فقط از سوی خانواده انجام می‌شد - به صدا و سیما واگذار شده است.^(۲) از این رو، صدا و سیما در بالا بردن سطح دانش و فرهنگ جامعه (بالا بردن شعور اجتماعی)، پرورش افکار عمومی، آموزش مهارت‌های زندگی، آگاه‌سازی، مردم‌آمیزی و جامعه‌پذیری از نقش بسزایی برخوردار می‌باشد.

بنابر این، صدا و سیما از یک سو، به عنوان وسیله‌ای تفریحی - سرگرمی و از سویی دیگر، به عنوان وسیله‌ای آموزشی - تربیتی، در تکوین درست شخصیت افراد، جامعه‌پذیری آنها و در نتیجه پیش‌گیری از بزهکاری تأثیرگذار است. بدین سان، توجه صدا و سیما به جنبه‌های آموزشی، تربیتی، اخلاقی و حتی مذهبی هنگام ساخت برنامه‌ها می‌تواند در کاهش میزان بزهکاری مؤثر باشد.

۱. نوربها (رضا)، زمینه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۰.
۲. معظمی (شهلا)، فراود دختران، چرا؟، انتشارات گرایش، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱.

خبرگان قانون اساسی در مقدمه قانون مزبور و بند ۲ اصل سوم این قانون به گونه‌ای به نقش صدا و سیما در پیش‌گیری از بزهکاری اشاره کرده‌اند. در مقدمه قانون اساسی مقرر شده است که: «وسایل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد...» و همچنین بند ۲ اصل سوم قانون مزبور اذعان نموده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای «بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از... رسانه‌های گروهی و...» به کار گیرد.

بدین ترتیب، صدا و سیما بر اساس این دو قسمت از قانون اساسی موظف است به اشاعه فرهنگ اسلامی و آگاه سازی مردم در همه زمینه‌ها از جمله؛ در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری مبادرت ورزد. از این رو، ساخت برنامه‌های صداوسیما با رویکردی پیش‌گیرنده می‌تواند به کاهش میزان بزهکاری کمک مؤثری نماید.

ب - رسانه‌های نوشتاری

مطبوعات و نشریه‌ها یکی دیگر از ابزار تبادل فرهنگی می‌باشند. این دو نهاد اجتماعی در سالهای پایانی قرن شانزدهم میلادی به شکلی نوین وارد گستره رسانه‌های گروهی شدند. مطبوعات و نشریه‌ها در آموزش و پرورش مردم نقش مهمی ایفا می‌کنند. زیرا این دو نهاد اجتماعی از مخاطبان زیادی برخوردار هستند. به گونه‌ای که امروزه بسیاری از نهادها - خواه دولتی و خواه غیردولتی - برای به دست آوردن موفقیت در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی از مطبوعات و نشریه‌ها بهره می‌گیرند. از این رو، جوامع بشری می‌توانند از این دو نهاد در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری نیز استفاده نمایند. بدین ترتیب، مطبوعات و نشریه‌ها به دلیل برخورداری از دو کارکرد اساسی - یعنی آگاه‌سازی مردم و پرورش افکار عمومی - می‌توانند به بالا بردن سطح فرهنگ جامعه، رواج دادن آداب و رسوم و آشنا کردن مردم با

هنجارهای اجتماعی و در نتیجه جامعه‌پذیری شهروندان کمک در خور توجهی کنند. از این رو، این دو نهاد می‌توانند با تلاش در زمینه هم‌نوایی مردم با ارزشهای اجتماعی و پیش‌گیری از بزهکاری مؤثر باشند.

تدوین‌کنندگان قانون اساسی نیز در بند ۲ اصل سوم قانون مذکور به کارکرد آموزشی - تربیتی مطبوعات و نشریه‌ها اشاره کرده‌اند. بدین سان، مطابق این بند دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد از رهگذر مطبوعات و نشریه‌ها به بالا بردن سطح فرهنگ جامعه و آگاهیهای عمومی مبادرت ورزد. این امر به نوبه خود می‌تواند در پیش‌گیری از بزهکاری نقش بسزایی داشته باشد.

گفتار دوم - آموزش و پرورش

آموزش را از نظر لغوی آموختن، یاد دادن و تعلیم دادن و پرورش را نیز از این حیث تربیت و پروردن معنا کرده‌اند.^(۱) معنای اصطلاحی آموزش و پرورش هم از معنای لغوی آن چندان دور نیست بدین معنی که از رهگذر آموزش آگاهی، مهارتها و ویژگیهای شخصی افراد گسترش می‌یابد و به وسیله تربیت استعدادها هدفدار و به صورت مسئولانه شکل می‌گیرد.

محیط تحصیلی که گونه‌ای از محیط تحمیلی به شمار می‌رود^(۲) در آموزش و پرورش افراد و هم‌نوایی آنها با هنجارهای اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌نماید، مدرسه پس از محیط خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه‌پذیری افراد به شمار می‌رود. به گونه‌ای که بنیانهای سازگاری و ناسازگاری افراد با ارزشهای اجتماعی را باید نخست، در چگونگی پرورش فرد (تربیت) در محیط خانواده و سپس در چگونگی پرورش وی در محیط تحصیلی جست. از این رو، مدرسه نیز مانند خانواده بر شکل‌گیری شخصیت

۱. عمید (حسن)، همان، صص ۷۷-۲۶۶.

۲. گفتنی است محیط تحصیلی یکی از گونه‌های محیط اجتماعی فردی به شمار می‌رود.

افراد، مردم‌آمیزی و اجتماعی کردن، مسئولیت‌پذیر کردن آنها در برابر جامعه و فرهنگ‌سازی تأثیرگذار می‌باشد. بدین‌سان، افراد در مدرسه با ارزشها، هنجارها و قواعد اجتماعی آشنا می‌شوند و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران، سازگاری با سایرین و احترام‌گذاردن به آنها را می‌آموزند. بنابر این، مدرسه موقعیتهایی را برای ترویج برابری اجتماعی و تکثرگرایی فرهنگ ایجاد و به افراد کمک می‌نماید تا صلاحیتها و مهارت‌های اخلاقی را به دست آورده و به عنوان یک شهروند احساس مسئولیت نمایند. بدین‌سان، مدرسه می‌تواند به افراد در زمینه قانونمندی، بزهکاری، پیامدهای آن و راههای جلوگیری از ارتکاب جرم آموزشهای مورد نیاز را ارائه دهد. از این رو است که از سالهای آغازین قرن ۱۹ میلادی تا امروز همواره از سوی حقوق‌دانان، سیاستمداران و اسناد بین‌المللی بر آموزش و پرورش همگانی، رایگان و حتی اجباری تأکید می‌شود.^(۱)

خبرگان قانون اساسی نیز در بند ۳ اصل سوم و اصل سی‌ام قانون مذکور به آموزش و پرورش رایگان و همگانی اشاره کرده‌اند. در بند ۳ اصل سوم قانون اساسی آمده است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» به کار گیرد. همچنین، در اصل سی‌ام قانون مذکور مقرر شده است که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» بدین ترتیب، براساس بند ۳ اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن امکانات کافی وظیفه دارد

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی‌ابرنادآبادی (علی‌حسین)، پیشگیری عادلانه از جرم، همان، صص

۵۷۴ - ۵۷۵؛ همچنین ر.ک: دانش (تاج‌زمان)، مجرم کیست جرم‌شناسی چیست، انتشارات

کیهان، چاپ نهم، ۱۳۸۱، ص ۳۱۸-۳۱۲.

با ایجاد آموزش و پرورش رایگان و همگانی بسترهای مورد نیاز برای جامعه‌پذیری، مردم‌آمیزی و در نتیجه پیش‌گیری از بزهکاری افراد را فراهم نماید.

گفتار سوم - بهبود شرایط اقتصادی

پدیده بزهکاری را می‌توان با رویکردهای گوناگون تحلیل کرد. علت‌شناسی بزهکاری از زاویه اقتصادی از رویکردهایی است که به همراه سایر رویکردها - یعنی رویکرد زادگانی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - به تحلیل این پدیده می‌پردازد.^(۱)

پژوهشهای جرم‌شناختی - که به علت‌شناسی بزهکاری با رویکرد اقتصادی پرداختند - نشان داده است که شرایط اقتصادی - که یکی از گونه‌های محیط اجتماعی عمومی است - نیز می‌تواند بر پیدایش بزهکاری، میزان و نوع آن و یا پیش‌گیری از ارتکاب این پدیده تأثیرگذار باشد. محیط اقتصادی به دو گونه محیط اقتصادی عمومی و محیط اقتصادی شخصی دسته‌بندی می‌شود. محیط اقتصادی عمومی که دربرگیرنده نظام اقتصادی حاکم بر جامعه است بر بزهکاری تأثیر بسزایی دارد به گونه‌ای که بر اساس شماری از پژوهشها دوران نوسانات و بحرانهای اقتصادی نقش مهمی در وقوع بزهکاری و حتی افزایش میزان آن ایفا می‌نماید. برای نمونه، پژوهشی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۴ میلادی در کشور آلمان نشان داده است که بحران اقتصادی سبب افزایش میزان بزهکاری شده است.^(۲) همچنین مطابق برخی پژوهشها محیط اقتصادی شخصی که شامل فعالیتهای اقتصادی شخصی افراد مانند؛ شغل، مسکن و فقر می‌باشد تأثیر بسزایی بر میزان بزهکاری

۱. نیازبور (امیرحسین)، بزهکاری به هادت و پیشگیری از آن، همان، ص ۱۲۴.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی‌ابرنادآبادی (علی‌حسین)، بزهکاری و بحران شرایط اقتصادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰، ص ۲۱۶-۲۳۱ و همچنین ر.ک: صدرات (علی)، حقوق جزا و جرم‌شناسی، انتشارات کانون معرفت، چاپ نخست، ۱۳۴۰، ص ۲۶۱-۲۶۴.

دارد. برای نمونه پژوهشی در زمینه نقش محیط اقتصادی شخصی در اعتیاد نشان داده است که فقر، بی‌کاری و درآمد کم برگرایش افراد به اعتیاد تأثیرگذار بوده‌اند.^(۱) بدین ترتیب، محیط اقتصادی - خواه عمومی و خواه شخصی - در تحقق بزه‌کاری و افزایش میزان آن نقش بسزایی ایفا می‌نماید. از این رو، خبرگان قانون اساسی از رهگذر بند ۲ اصل سوم، اصل بیستم، اصل بیست و هشتم، اصل سی و یکم و بندهای ۱ و ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی فقرزدایی، اشتغال‌زایی، تأمین مسکن و در نتیجه بهبود شرایط اقتصادی را مورد توجه قرار داده است. بند ۱۲ اصل سوم اذعان می‌نماید که دولت جمهوری اسلامی موظف است به: «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» مبادرت ورزد. اصل بیستم مقرر می‌دارد که: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» در اصل بیست و هشتم بیان شده است که: «هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» بر اساس اصل سی و یکم «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.» قانون‌گذار ایرانی در اصل چهل و سوم قانون اساسی بندهای ۱ و ۲ به بهبود

۱. برای آگاهی بیشتر رک: پیشگیری از جرم و سمای جنایی ایران، کمیسیون پیش‌گیری از وقوع جرم مرکز مطالعات توسعه قضائی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲-۳۱.

شرایط اقتصادی، ریشه کن کردن فقر و برآوردن نیازهای انسانی در جریان رشد افراد توجه کرده است. بند ۱ این اصل مقرر می دارد که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران - که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران پی ریزی می شود - باید بر اساس «تأمین نیازهای اساسی؛ مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» بنیان نهاده شود و مطابق بند ۲ اصل مزبور باید «شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند...» تأمین شود.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود که مقنن ایرانی از رهگذر شماری از اصول قانون اساسی به ایجاد شرایط مناسب اقتصادی برای افراد و در نتیجه از بین بردن عوامل اقتصادی جرم‌زا توجه نموده است.

گفتار چهارم - حمایت از افراد ویژه

همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید یکی از گونه‌های پیش‌گیری کنشی، پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار است. این گونه از پیش‌گیری دربرگیرنده آن دسته از تدابیر و اقدامهایی است که به دنبال شناسایی کودکان مسئله‌دار و کاهش احتمال گرایش و وارد شدن آنها در رفتارهای بزه‌کارانه پایدار است. بنابر این، رشد جنین و کودکان بر سلامت جسمی، ذهنی و روانی افراد و در نتیجه بر نوع رفتار آنها از حیث اجتماعی یا ضداجتماعی بودن تأثیر بسزایی دارد. از این رو، حمایت از مادران از رهگذر برنامه‌های مربوط به پیش از تولد یا هنگام تولد به منظور بهبود بهداشت مادران، آماده‌سازی آنها برای پذیرش نقش اجتماعی جدید، ایجاد علاقه میان مادران با کودکان و جلوگیری از خشونت علیه کودکان نقش بسزایی در «پیش‌گیری از بزه‌دیدگی کودکان» و نیز کاهش رفتارهای مجرمانه آنها ایفا می نماید. حمایت از کودکان بی سرپرست نیز از جمله اقدامهای زودهنگام است که به اجتماعی کردن آنها کمک شایان توجهی می کند. بدین ترتیب، خبرگان قانون اساسی مطابق بند ۲ اصل بیست

ویکم این قانون دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده‌اند تا تمهیدات لازم را برای «حمایت از کودکان بی سرپرست» اتخاذ نمایند.

مبحث دوم - رویکرد قضائی قانون اساسی به پیش‌گیری از بزهکاری
خبرگان قانون اساسی چه در هنگام تدوین قانون اساسی - یعنی سال ۱۳۵۸ خورشیدی - و چه در زمان بازنگری آن - یعنی سال ۱۳۶۸ خورشیدی - به پیش‌گیری از بزهکاری با «رویکردی قضائی» توجه نموده‌اند. بدین معنی که تدوین‌کنندگان قانون اساسی مطابق قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون مزبور پیش‌گیری از بزهکاری را در شمار وظایف قوه قضائیه نهاده‌اند. اما چه در آن هنگام و چه در امروز در زمینه واگذاری پیش‌گیری از بزهکاری یا عدم واگذاری پیش‌گیری از بزهکاری به قوه قضائیه و چگونگی اجرای قسمت نخست بند ۵ اصل مزبور قانون اساسی نگرش‌های متفاوتی میان خبرگان قانون اساسی، حقوق‌دانان و جرم‌شناسان وجود داشته است.

پیش از آنکه در مورد نگرش‌های میان خبرگان قانون اساسی، حقوق‌دانان و جرم‌شناسان و چگونگی اجرای قسمت نخست بند ۵ اصل مذکور قانون اساسی مطلبی بیان شود باید گفت که تدوین‌کنندگان قانون اساسی با تأثیرپذیری از اقدامات سازمان ملل متحد در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری از جمله کنگره‌های پنج‌ساله سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ میلادی با موضوع «پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرمین»^(۱) بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم را تدوین کرده‌اند به گونه‌ای که این بند به طور دقیق ترجمه عنوان کنگره‌های مزبور است.^(۲) اما ناآگاه از این امر که قسمتی از بند مذکور را - یعنی اصلاح مجرمین - با نگارشی دیگر در بند ۴ همان اصل بیان داشته‌اند، زیرا بند ۴ اصل دربرگیرنده هر دو گونه پیش‌گیری واکنشی است و دیگر

1. Prevention of crime and Treatment of offenders.

۲. فرجیها (محمد)، اقدامات مناسب قوه قضائیه برای پیش‌گیری از جرم، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۷۰، ص ۵۸.

نیازی به تکرار یکی از آنها (یعنی پیش‌گیری واکنشی خاص) در قسمت دوم بند ۵ اصل یاد شده نبود.^(۱)

اکنون پس از درآمدی کوتاه در مورد چگونگی نگارش این بند توسط خبرگان قانون اساسی در دو گفتار جداگانه دیدگاه‌های آنها و سپس نگرش‌های موجود در میان حقوق‌دانان و جرم‌شناسان در مورد قسمت نخست بند ۵ اصل ۱۵۶ و درستی یا نادرستی واگذاری مدیریت پیش‌گیری از بزهکاری به قوه قضائیه مطرح می‌گردد.

گفتار نخست - دیدگاه‌های خبرگان قانون اساسی

در مورد این بند چه در هنگام تدوین قانون اساسی و چه در زمان بازنگری این قانون میان خبرگان قانون اساسی دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته است و برخی از آنها با واگذاری پیش‌گیری از بزهکاری به قوه قضائیه موافق و دسته‌ای دیگر مخالف بوده‌اند.

در هنگام تدوین قانون اساسی شماری از خبرگان از جمله دکتر قائمی بر این باور بوده‌اند که پیش‌گیری از بزهکاری امری نادرست است.^(۲) زیرا پیش‌گیری از بزهکاری در کوتاه مدت وظیفه دستگاه انتظامی است و در بلندمدت از وظایف آموزش و پرورش و سازمانهای مرتبط با مسائل ارتباط جمعی است.^(۳) بدین ترتیب، از نظر ایشان پیش‌گیری از بزهکاری تنها مجازات کردن افراد نیست بلکه باید با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی و مداخله در فعلیت یافتن جرم، از رخ دادن آن جلوگیری کرد.

۱. نیازپور (امیرحسن)، پیش‌گیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم، همان، ص ۱۴۰.

۲. زینالی (امیرحمزه)، پیش‌گیری از بزهکاری و مدیریت آن در پروتوکل‌ها و مقررات جاری ایران، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۶، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷.

۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس، بررسی عنوانین قانون اساسی ایران، نشست پنجاه و هشتم، انتشارات اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۴، ص ۱۵۸۳.

در برابر دسته‌ای دیگر از جمله دکتر ضیایی عقیده داشتند که واگذاری پیش‌گیری از بزهکاری به قوه قضائیه امری درست است. برای نمونه، ایشان بیان می‌کنند در هر جایی که احتمال بدهند ممکن است بزه‌ی رخ دهد وظیفه حاکم شرع است که با شیوه‌های گوناگون و بدون توسل به قوه مجریه [یا] اقدامهای نظامی و انتظامی [از تحقق آن] جلوگیری کند. بدین ترتیب، اگر ممکن است قتلی رخ دهد دادستان و بازپرس باید برای پیش‌گیری از جرم قاتل احتمالی را بازداشت کنند زیرا اگر بازداشتش نکنند امکان دارد مرتکب قتل شود.^(۱) پیداست که براساس این دیدگاه استفاده از تدابیر واکنشی بهترین اقدام برای پیش‌گیری از جرم تلقی شده است و هیچ‌گونه اظهارنظری در مورد چگونگی مبارزه با عوامل جرم‌زا مطرح نگردیده است. به نظر می‌رسد این برداشت که با رویکردی عملیاتی - اجرایی قوه قضائیه را برخوردار از امکانات کافی برای پیش‌گیری از بزهکاری تلقی می‌کند، نادرست و سطحی باشد.

هنگام بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ خورشیدی بیشتر اعضای شورا در زمینه بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم توضیح خاصی مطرح نکردند اما آقای عبدالله نوری در مورد بند ۵ اصل مزبور و پیش‌گیری از بزهکاری مطالبی را ارائه نمودند. از نظر ایشان پیش‌گیری از بزهکاری بیشتر جنبه غیرقضائی دارد و خارج از گستره عمل دستگاه قضائی می‌باشد. بدین صورت که، از یک سو نهادهای اجرایی به‌ویژه وزارت کشور مسئول برقراری نظم و امنیت در جامعه هستند و از سوی دیگر اختیارات این نهادها برای تحقق این وظیفه کافی نیست، زیرا براساس بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم مسئولیت پیش‌گیری از بزهکاری به قوه قضائیه سپرده شده است. بنابراین، پسندیده است که اختیارات قانونی از آن نهادی باشد که مسئولیت اجرایی را

بر عهده دارد و به این دلیل که قوه مجریه از امکانات بیشتری برای مبارزه با بزهکاری برخوردار است بهترین شیوه سپردن پیشگیری از بزهکاری به این قوه است تا از ایجاد تشکیلات موازی جلوگیری شود.^(۱)

گفتار دوم - دیدگاههای حقوق دانان و جرم‌شناسان

پس از تصویب قانون اساسی نگرش‌های گوناگونی میان حقوق دانان و جرم‌شناسان در مورد بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم و چگونگی اجرای آن شکل گرفت که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف - واگذاری پیشگیری از بزهکاری به نهاد رهبری

گروهی از جرم‌شناسان از جمله شادروان دکتر مهدی کی‌نیا عقیده دارند که واگذاری پیشگیری از بزهکاری به قوه قضائیه درست نیست، زیرا پیشگیری از بزهکاری عملی اجرائی است و به همکاری همه‌جانبه نهادهای اجرائی و قضائی نیاز دارد از این رو، بالاترین مقام اجرائی کشور (یعنی رهبری) باید متولی پیشگیری از بزهکاری باشد. براساس نگرش ایشان، بازنگری در قانون اساسی راهکاری مناسب برای عملیاتی شدن پیشگیری از بزهکاری به شمار می‌آید. بدین شکل که، قسمت نخست بند ۵ اصل مذکور از شمار وظایف قوه قضائیه خارج و به اختیارات رهبری در قانون اساسی افزوده شود، تا سیاستهای تعیین شده در زمینه پیشگیری از بزهکاری به آسانی در سطح ملی اجرا گردد.^(۲)

ب - واگذاری مدیریت پیشگیری از بزهکاری به قوه قضائیه

شماری از جرم‌شناسان به‌ویژه دکتر علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی در زمینه چگونگی اجرای بند ۵ اصل مزبور بر این باورند که با کمی دقت در دو بند ۵

۱. صورت مجلس مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، انتشارات اداره تبلیغات مجلس

شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۹، ص ۳۴۷.

۲. کی‌نیا (مهدی)، مصاحبه با مجله راه عدالت، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی،

شماره ۳-۴، ۱۳۷۵، ص ۹.

و ۴ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی می‌تواند دو گونه بارز پیش‌گیری از بزهکاری یعنی «پیش‌گیری کنشی» و «پیش‌گیری واکنشی» را مشاهده کرد. بدین صورت که بند ۴ اصل مزبور و قسمت دوم بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم «پیش‌گیری واکنشی» یا «پیش‌گیری کیفری» را مورد اشاره قرار داده‌اند و قسمت نخست بند ۵ اصل مزبور پیش‌گیری کنشی (غیرکیفری) - که از نظر جرم‌شناسی پیش‌گیرانه معنای خاص و واقعی پیش‌گیری از بزهکاری را تشکیل می‌دهد - مطرح کرده است. بنابر این، به نظر می‌رسد خبرگان قانون اساسی با آگاهی از اینکه قوه قضائیه به تنهایی امکانات کافی - به ویژه از نظر عملیاتی - برای پیش‌گیری از بزهکاری را در اختیار ندارد، در واقع «مدیریت پیش‌گیری از بزهکاری» را به قوه قضائیه واگذار کرده‌اند تا این دستگاه با حضور سایر نهادهای دولتی و نیز نهادهای جامعه‌ی در قالب شورایی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه مبادرت ورزد و تدابیر اتخاذ شده را از طریق وضع قانون، آیین‌نامه، بخشنامه و... اجرایی و عملیاتی کنند.^(۱) البته باید گفت که شمار دیگری از جرم‌شناسان از جمله دکتر علی صفاری عقیده دارند که با توجه به اصل سوم و برخی دیگر از اصول قانون اساسی «پیش‌گیری کنشی از بزهکاری» در زمره وظایف نهادهای دولتی - اجرایی قرار دارد و قوه قضائیه مطابق بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی تنها باید به پیش‌گیری واکنشی از بزهکاری مبادرت ورزد. از این رو، پیش‌گیری از بزهکاری از نظر ایشان در گستره وظایف نهادهای دولتی - اجرایی قرار دارد.^(۲)

۱. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، *تقریرات مباحثی در علوم جنائی، همان*، ص ۷۸۸. گفتنی است که از نظر تطبیقی در سایر کشورها نیز مسئولیت پیش‌گیری از بزهکاری به وزارت دادگستری، وزارت کشور و حتی نخست‌وزیری محول شده است برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، *جایگاه جرم‌شناسی در ایران*، مجله کانون وکلا، شماره ۱۶۹، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸-۱۱۴.

۲. صفاری (علی)، *تقریرات متون پیشرفته حقوقی انگلیسی (دوره دکتری)*، دانشکده حقوق -

در پاسخ به این دیدگاه می‌توان بیان نمود که بند ۴ و قسمت دوم بند ۵ اصل مزبور ناظر بر پیش‌گیری واکنشی - خواه پیش‌گیری واکنشی عام و خواه پیش‌گیری واکنشی خاص - است. بدین معنی که در این بند رویکردهای جرم‌شناسی حقوقی و جرم‌شناسی بالینی مورد توجه خبرگان قانون اساسی بوده است در حالی که قسمت نخست بند ۵ اصل مزبور ناظر بر جرم‌شناسی پیش‌گیرانه است. بنابر این، با توجه به بند ۴ و قسمت دوم بند ۵ اصل مذکور به نظر می‌رسد خبرگان قانون اساسی در قسمت نخست بند ۵ این اصل به دنبال بیان مقوله‌ای غیر از پیش‌گیری واکنشی یعنی پیش‌گیری کنشی بوده‌اند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد منظور خبرگان قانون اساسی از نگارش قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم این است که قوه قضائیه برای سیاست‌گذاری در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری نقش مدیریتی ایفا کند.

فصل دوم - پیش‌گیری از بزهکاری در پرتو مقررات تقنینی

با بررسی مقررات تقنینی (قوانین عادی) ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار ایرانی از رهگذر شماری از این مقررات پیش‌گیری از بزهکاری را مورد توجه قرار داده است. در این فصل که دربرگیرنده هشت مبحث است جایگاه پیش‌گیری از بزهکاری در مقررات تقنینی ایران تبیین می‌شود.

مبحث اول - پیش‌گیری از بزهکاری در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی

قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۳۹ خورشیدی از رهگذر قانون اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌گیری از بزهکاری را مورد توجه قرار داده است. در ماده ۱ این قانون بیان شده است که اقدامات تأمینی و تربیتی عبارت‌اند از: «تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.» بدین سان، مقنن ایرانی با ذکر عبارت «جلوگیری از تکرار جرم» یکی

از گونه‌های پیش‌گیری از بزهکاری - یعنی پیش‌گیری سومین^(۱) - یا پیش‌گیری واکنشی (کیفری) در نوع خاص را وارد پهنه سیاست جنائی تقنینی ایران کرده است.

اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله آموزه‌های مکتب تحقیقی است که حقوق جنائی نوین برای دفاع بهتر از جامعه در برابر بزهکاری آن را مورد پذیرش قرار داده است. زیرا شماری از بزهکاران مانند؛ بزهکاران حرفه‌ای^(۲)، به عادت^(۳) بیش از سایر دسته‌های بزهکاران مانند؛ بزهکاران اتفاقی برای جامعه خطرناک هستند و هر آن احتمال ارتکاب جرم از سوی آنها وجود دارد. به همین دلیل، افزون بر اعمال کیفر بر آنها باید این دسته از مجرمان را مشمول تدابیر ویژه‌ای قرار داد تا به گونه‌ای مناسب‌تر به دفاع از جامعه پرداخته شود.

این دسته از اقدامات از سوی قانون‌گذار ایرانی نیز در ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ خورشیدی تعریف شده است. بدین شکل که اقدامات تأمینی و تربیتی «تدابیری [هستند] که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.» بنابر این، اقدامات مذکور که ماهیتی حمایتی - پیش‌گیرانه دارند از سوی دادگاه در کنار نظام مجازات‌ها برای بازسازی بزهکاران خطرناک و مصون‌سازی جامعه در برابر این دسته از مجرمان اتخاذ می‌شود.^(۴)

مهم‌ترین هدف اقدامات تأمینی و تربیتی و شاید تنها هدف این دسته از تدابیر، پیش‌گیری از بزهکاری است. این گونه از واکنش اجتماعی علیه

1. Third prevention.

2. Professional criminals.

3. Chronic offender.

۴. برای آگاهی بیشتر ر.ک: رهامی (محسن)، اقدامات تأمینی و تربیتی، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۱ و همچنین ر.ک: قاسمی (ناصر)، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۴.

مجرمان جنبه اربعابی، سزادهی و سرکوبگر ندارد بلکه کاهش میزان بزهکاری، حمایت از جامعه در برابر مجرمان دارای حالت خطرناک و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری هدف اساسی این نهاد جرم‌شناختی است.

قانون‌گذار ایرانی نیز در ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ خورشیدی یگانه هدف اقدامات مذکور را پیشگیری از بزهکاری بیان کرده است. البته با توجه به عبارت «جلوگیری از تکرار جرم» گستره این دسته از اقدامات تنها به بزهکاران محدود می‌شود. بدین ترتیب، پیشگیری از بزهکاری مطابق قانون مزبور در قالب اقدامات تأمینی و تربیتی - که سازوکاری پیش‌گیرنده هستند - در سال ۱۳۳۹ خورشیدی وارد پهنه مقررات مربوط به پیشگیری از بزهکاری شده است.

مبحث دوم - پیشگیری از بزهکاری در قانون تأسیس وزارت اطلاعات

قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۶۲ خورشیدی به دلیل شرایط سیاسی - امنیتی آن هنگام به تدوین قانون تأسیس وزارت اطلاعات مبادرت ورزید تا از این رهگذر آرامش و امنیت در جامعه برقرار شود. مقنن ایرانی در ماده ۱۱ این قانون پیشگیری از بزهکاری را یکی از مهم‌ترین هدفهای تأسیس این نهاد تلقی کرده است.

مطابق ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات سال ۱۳۶۲ خورشیدی «به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضدجاسوسی و به دست آوردن آگاهیهای لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تشکیل [گردید.]» بدین سان، ملاحظه می‌شود که مقنن ایرانی با ذکر عبارت «پیشگیری و مقابله با توطئه‌های [دشمنان] علیه انقلاب اسلامی» پیشگیری از وقوع جرائم خاصی را به نوعی مدنظر قرار داده است. از این رو، مطابق گفتن مدیریتی از قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و

پنجاه و ششم^(۱) در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایرانی با بیان عبارت «پیش‌گیری و مقابله با توطئه‌های [دشمنان] علیه انقلاب اسلامی» در ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات سال ۱۳۶۲ خورشیدی، این نهاد را به عنوان یکی از ابزارهای قوه قضائیه - به عنوان مدیر پیش‌گیری از بزهکاری در ایران - در راستای عملیاتی - اجرایی کردن تدابیر پیش‌گیرنده در زمینه بزهکاری امنیتی به شمار آورده است. به دیگر سخن، با توجه به اینکه تدابیر و اقدامهای پیش‌گیرانه از نظر ماهیتی بیشتر جنبه اجرایی دارند تا قضائی، وزارت اطلاعات با در اختیار داشتن امکانات کافی برای کاهش میزان جرائم امنیتی به قوه قضائیه در این زمینه کمک می‌کند.

مبحث سوم - پیش‌گیری از بزهکاری در قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور

قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۶۲ خورشیدی افزون بر تدوین قانون تأسیس وزارت اطلاعات به دلیل شرایط سیاسی - امنیتی آن هنگام به تدوین قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور نیز مبادرت ورزید. بر اساس این قانون پیش‌گیری از بزهکاری در سه سطح ملی، استانی و شهرستانی در شمار وظایف شورای امنیت کشور، شورای تأمین استان و شورای تأمین شهرستان قرار گرفته است.

مطابق ماده ۱ قانون مزبور «به منظور بررسی جریانات و پیشامدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیش‌گیری و مقابله با مسائل مربوط به آن شورای امنیت کشور... تشکیل می‌شود.» بدین سان، شورای امنیت کشور به منظور ایجاد امنیت در جامعه و حفظ آسایش عمومی به پیش‌گیری از ایجاد ناامنی در سطح کشور از جمله

۱. برای آگاهی بیشتر رک: نیازپور (امیرحسین)، **پیش‌گیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم**، همان، ص ۱۲۴-۱۶۰.

پیش‌گیری از بزهکاری عمومی - که یکی از جلوه‌های ناامنی در جامعه است - مبادرت می‌ورزد. مطابق قسمت پایانی ماده مذکور این شورا برای پیش‌گیری از ناامنی در چند مرحله تدابیر مناسب را اتخاذ و اعمال می‌کند. در مرحله نخست، این شورا گزارشهای مربوط به رخدادهای امنیتی - سیاسی - اجتماعی از جمله؛ گزارشهای منطقه‌ای را گردآوری کرده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در مرحله دوم، شورای مزبور براساس نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل رخدادهای امنیتی - سیاسی - اجتماعی سیاستهای کلان امنیتی را تعیین می‌کند. در مرحله سوم، شورای امنیت کشور نسبت به تعیین وظایف و اختیارات نهادهای مرتبط با پیش‌گیری از ناامنی مبادرت می‌ورزد. و در مرحله چهارم، این شورا اجرای سیاستهای اتخاذ شده در این زمینه را پی‌گیری و سپس مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بنابر این، شورای امنیت کشور با «رویکردی ملی - امنیتی» به سیاست‌گذاری در زمینه پیش‌گیری از ناامنی از جمله؛ پیش‌گیری از بزهکاری عمومی می‌پردازد. از این رو، شورای مزبور - که براساس تبصره ۲ ماده ۳ این قانون به منظور ارائه مشورت در امور امنیتی تشکیل می‌شود - برای برقراری امنیت در جامعه «تدابیر پیش‌گیرانه امنیت‌مدار» را اتخاذ می‌کند.

مقتن ایرانی افزون بر قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور سال ۱۳۶۲ خورشیدی از رهگذر لایحه قانونی اختیارات استانداران سال ۱۳۵۹ خورشیدی به «استانی کردن پیش‌گیری از بزهکاری» توجه کرده است. این شورا با توجه به ماده ۴ قانون مزبور و ماده ۵ لایحه قانونی مذکور به منظور «حفظ نظم و امنیت»، «رفاه مردم» و «آرامش عمومی» در هر استان به پیش‌گیری از ناامنی - که دربرگیرنده پیش‌گیری از بزهکاری نیز هست - می‌پردازد. بدین‌سان، شورای تأمین استان با وجود برخورداری از «ساختاری امنیت‌گرا» با دو «رویکرد امنیتی و اجتماعی» به پیش‌گیری از بزهکاری می‌پردازد. این شورا مطابق ماده ۵ لایحه قانونی مذکور و ماده ۵

قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور سال ۱۳۶۲ خورشیدی مانند شورای امنیت کشور در چند مرحله تدابیر مناسب را برای کاهش میزان بزه‌کاری در استان اتخاذ می‌کند. در مرحله نخست، شورای مزبور به گردآوری، بررسی، تجزیه و تحلیل رخدادهای امنیتی - سیاسی - اجتماعی در استان می‌پردازد. در مرحله دوم، به تعیین سیاستهای امنیتی - استانی منطبق با سیاستهای کلان امنیتی شورای امنیت کشور و واقعیهای محلی - استانی مبادرت می‌ورزد و در مرحله سوم، این شورا وظایف و اختیارات نهادهای مرتبط با پیش‌گیری از ناامنی را مشخص می‌کند. از این رو، شورای مزبور از یک سو، به منظور برقراری امنیت و حفظ نظم و آرامش در استان به اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه امنیت‌مدار و از سویی دیگر، برای ایجاد رفاه مردم، برطرف ساختن نیازمندیهای عمومی آنها، نوسازی و بهسازی شهرها و دهها به اتخاذ «تدابیر اجتماعی» مبادرت می‌ورزد.^(۱)

بدین‌سان، شورای تأمین استان برخلاف شورای امنیت کشور بزه‌کاری را از یک سو مقوله‌ای امنیتی و از سویی دیگر آن را مشکلی اجتماعی تلقی می‌کند. از این رو، برای جلوگیری از وقوع چنین جرائمی به اتخاذ تدابیر امنیت‌مدار و تدابیر اجتماعی جامعه‌مدار مبادرت می‌ورزد. بنابر این، شورای تأمین استان مطابق دو قانون مذکور باید در زمینه فقرزدایی، فراهم آوردن بسترهای عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی افراد در استان تلاش نماید.^(۲)

شورای تأمین شهرستان نیز مانند دو شورای پیشین براساس ماده ۷ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور سال ۱۳۶۲

۱. گفتنی است موارد مزبور جلوه‌هایی از پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار به شمار می‌آیند.
۲. افزودنی است در شماری از مصوبه‌های شورای عالی اداری از جمله تصویب‌نامه مورخ ۱۳۷۷/۷/۲۸ خورشیدی به نقش شورای تأمین استان در پیش‌گیری اجتماعی اشاره شده است.

خورشیدی به منظور «ایجاد امنیت و آرامش» به اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه مبادرت می‌ورزد.

بدین ترتیب، این شوراها با «رویکردی امنیت‌مدار» و «ساختاری امنیت‌گرا» به پیش‌گیری از بزهکاری می‌پردازند.

مبحث چهارم - پیش‌گیری از بزهکاری در قانون نیروی انتظامی

قانون‌گذار ایرانی از رهگذر قانون نیروی انتظامی در سال ۱۳۶۹ خورشیدی به یکپارچه کردن نیروهای انتظامی آن هنگام - یعنی شهربانی (پلیس شهری)، ژاندارمری (پلیس روستایی) و کمیته انقلاب اسلامی - مبادرت ورزید. این قانون یکی از مهم‌ترین وظایف نیروی انتظامی را پیش‌گیری از بزهکاری قرار داده است.

مطابق ماده ۴ قانون مزبور وظایف نیروی انتظامی را می‌توان به چهارگونه «خدماتی»، «امنیتی»، «قضائی» و «انتظامی» دسته‌بندی کرد.

اما در بین این وظایف وظیفه انتظامی بیش از سایر وظایف به پیش‌گیری از بزهکاری مرتبط است. بدین شکل که بر اساس برخی از قسمتهای بند ۸ ماده ۴ قانون مزبور نیروی انتظامی موظف شده است تا در زمینه برقراری امنیت، حفظ نظم و آسایش در جامعه تدابیری مناسب اتخاذ و اقدامهایی مؤثر اعمال نماید. بدین سان، آن گونه که بند ۳ و قسمتهای الف، ب، ج و د ماده ۴ مقرر می‌نماید؛ برقراری امنیت برای برگزاری راهپیمایها، اجتماعات و غیره، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق و پیش‌گیری از بزهکاری در شمار وظایف نیروی انتظامی قرار داده شده است. این وظایف از نظر ماهیتی جنبه کنشی دارند ولی با توجه به بند ۸ ماده ۴ قانون مذکور نهادن چنین وظایفی به ویژه پیش‌گیری از بزهکاری بر عهده نیروی انتظامی از ایراد مبرا نیست. زیرا پیش‌گیری از بزهکاری (در معنای خاص) دربرگیرنده آن دسته از تدابیر و اقدامهای پیشینی (کنشی) است که پیش از ارتکاب جرم با مداخله در فرایند فعلیت یافتن جرم و وضعیت پیش‌جنائی به دنبال جلوگیری از بزهکاری

می‌باشند. در حالی که براساس بند ۸ ماده ۴ قانون مذکور، نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه، وظیفه دارد به پیش‌گیری از بزهکاری مبادرت ورزد. بدین ترتیب، نهادن چنین وظیفه‌ای بر عهده نیروی انتظامی چندان با معنای خاص پیش‌گیری از بزهکاری سازگار نیست. بدین معنی که ضابط قوه قضائیه (پلیس فنی) فقط باید پس از وقوع بزه و به منظور کشف جرم، تعقیب متهم و دستگیری وی، تحقیق از او، اجرای احکام کیفری و تصمیمهای قضائی، حفظ آثار و دلایل ارتکاب جرم و غیره اقدام نماید. بنابر این، از آنجایی که در میان گونه‌های پلیس تنها پلیس اداری است که با اتخاذ تدابیر مناسب غیرکیفری و اعمال اقدامات کنشی به استقبال پدیده بزهکاری می‌رود و درصدد است تا از وقوع این پدیده جلوگیری نماید در حالی که پلیس فنی به دنبال کشف جرم، تعقیب متهم و غیره برای پاسخ‌دهی دستگاه عدالت کیفری به او و در نتیجه پیش‌گیری از بزهکاری دوباره افراد است. از این رو، تعبیر پیش‌گیری کنشی از عبارت «پیش‌گیری از وقوع جرائم» مندرج در قسمت د بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی سال ۱۳۶۹ خورشیدی با توجه به اینکه نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد جای تأمل دارد.

بدین ترتیب، با بررسی قسمت د بند ۸ ماده ۴ قانون مزبور پیداست که قانون‌گذار ایرانی به تفکیک بین نهاد پلیس بر اساس دو رویکرد کنشی و واکنشی چندان توجهی نداشته است و از آنجایی که پیش‌گیری از بزهکاری باید تنها توسط پلیس اداری انجام شود مقنن ایرانی این امر را به پلیس فنی واگذار کرده است.

مبحث پنجم - پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر لایحه راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور

شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ خورشیدی با تصویب لایحه مزبور و از رهگذر تشکیل سازمان بهزیستی به پیش‌گیری از بزهکاری توجه کرده است. این مصوبه که به صورت ماده واحده‌ای مشتمل بر شانزده تبصره

می‌باشد، در سال ۱۳۷۵ خورشیدی از سوی مجلس شورای اسلامی مورد بازبینی قرار گرفته است.

با بررسی ماده واحده مزبور ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار ایرانی از رهگذر این لایحه قانونی به هر دو گونه پیش‌گیری از بزهکاری توجه داشته است. بدین شکل که در قسمت نخستین ماده واحده مذکور از یک سو با بیان عبارت «تدارک امکانات پیش‌گیری» به پیش‌گیری کنشی و از سوی دیگر با ذکر عبارت «تجدید تربیت منحرفین اجتماعی» به پیش‌گیری واکنشی اشاره نموده است.

بنابر این، سازمان بهزیستی با رویکردی غیرکیفری و اصلاحی - درمانی به دنبال پیش‌گیری از بزهکاری نخستین و بزهکاری دوباره افراد است تا در وهله نخست بزهکاران احتمالی در ورطه بزهکاری نیفتند و در وهله دوم بزهکاران واقعی بازسازگار و با قواعد اجتماعی هم‌نوا شوند.

مبحث ششم - پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

با بررسی پیشینه قانون‌گذاری ایران در زمینه جرائم مواد مخدر مشاهده می‌شود که قانون‌گذار ایرانی از سال ۱۲۸۹ خورشیدی با تدوین «قانون تجدید تربیایک» به صورت رسمی به مبارزه با این گونه از جرائم پرداخته است. از آن هنگام تا امروز مقررات تقنینی و فروتقیننی متعددی در این زمینه تدوین و اجرا شده‌اند.^(۱) این مقررات تا سال ۱۳۷۶ خورشیدی فقط با رویکردی واکنشی (کیفری) به مقابله با این دسته از جرائم می‌پرداختند اما قانون‌گذار ایرانی از آن هنگام به بعد برای مبارزه با این گونه از جرائم از رهگذر تأسیس ستاد مبارزه با مواد مخدر به استفاده از تدابیر کنشی (غیرکیفری) در کنار

۱. برای آگاهی بیشتر رک: کوشا (جعفر)، جرائم و مجازاتها و تحولات آن در قوانین کیفری ایران، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، جلد نخست، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ نخست، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳-۱۳۲.

تدابیر واکنشی (کیفری) به منظور کاهش میزان این جرائم توجه کرده است. بدین ترتیب، قانون‌گذار ایرانی با تدوین قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن سال ۱۳۷۶ خورشیدی برای نخستین بار با رویکردی کنشی (غیرکیفری) به پیش‌گیری از جرائم مواد مخدر نگریست.

از این رو، ماده ۳۳ قانون مزبور مقرر می‌نماید که: «به منظور پیش‌گیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل: اعم از تولید، توزیع، خرید و فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضائی و برنامه‌های پیش‌گیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود،...» همچنین براساس تبصره ۲ این قانون «برای پیش‌گیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه‌ای برای این امر اختصاص [دهد].»

با توجه به اینکه در صدر ماده ۳۳ قانون مزبور بیان شده است که: «به منظور پیش‌گیری از اعتیاد» ستاد مبارزه با مواد مخدر تأسیس می‌گردد. این پرسش مطرح می‌شود که آیا این ستاد فقط باید در زمینه پیش‌گیری از اعتیاد تلاش نماید یا اینکه گستره پیش‌گیری از بزه‌کاری از رهگذر این ستاد جرائم مرتبط با قاچاق مواد مخدر را هم در برمی‌گیرد؟

شاید با توجه به عبارت «پیش‌گیری از اعتیاد» به نظر برسد که ستاد مبارزه با مواد مخدر تنها وظیفه پیش‌گیری از اعتیاد را برعهده دارد و لازم نیست در زمینه پیش‌گیری از سایر گونه‌های جرائم مرتبط با مواد مخدر اقدامی نماید.

اما با توجه به عبارت «کلیه عملیات اجرایی و قضائی و برنامه‌های پیش‌گیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر» مندرج در ماده ۳۳ قانون مذکور و نیز مطابق تبصره ۲ ماده ۳۳ قانون مزبور که مقرر می‌دارد: «برای پیش‌گیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه‌ای برای این امر اختصاص و به دستگاه‌های ذی‌ربط موضوع همین

ماده ابلاغ نماید.» پیداست که گستره پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر ستاد مبارزه با مواد مخدر فقط به مقوله پیش‌گیری از اعتیاد محدود نمی‌شود بلکه پیش‌گیری از دیگر گونه‌های جرائم مرتبط با مواد مخدر مانند؛ قاچاق، خرید و فروش را هم در برمی‌گیرد. بنابر این، پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر ستاد مبارزه با مواد مخدر دربرگیرنده همه گونه‌های جرائم مرتبط با مواد مخدر است^(۱) و این ستاد موظف است تدابیر، راهبردها و برنامه‌های پیش‌گیرانه‌اش را در زمینه همه گونه‌های جرائم مرتبط با مواد مخدر اتخاذ و اجرا نماید. بدین ترتیب، ستاد مبارزه با مواد مخدر مطابق ماده ۳۳ قانون مزبور با «رویکردی فرهنگی، امنیتی - قضائی» در پرتو «ساختاری اجرایی - امنیتی - قضائی» با به‌کارگیری روشهای مناسب پیش‌گیرانه به منظور کاهش میزان اعتیاد، تولید، پخش، خرید، فروش و انتقال مواد مخدر مبادرت می‌ورزد.

مبحث هفتم - پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون‌گذار ایرانی از سال ۱۳۶۸ خورشیدی تا سال ۱۳۸۳ خورشیدی چهار قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به تصویب رسانده است. پیش‌گیری از بزهکاری در هر چهار قانون با رویکردی اجرایی و عام مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است. بدین شکل که دولت جمهوری اسلامی ایران از رهگذر اقداماتی اجرایی مانند؛ فرهنگ‌سازی، بالا بردن سطح سواد افراد، بهبود شرایط اقتصادی و حتی اجباری کردن آموزش در جهت کاهش میزان بزهکاری، تلاش نماید. ولی مقنن ایرانی در دو قانون برنامه نخست و برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با

۱. نادری (محمدعلی)، نقش و جایگاه وزارت کشور در پیش‌گیری از بزهکاری، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۸۰، ص ۹۳.

رویکردی خاص به پیش‌گیری از بزهکاری توجه نموده است. در ادامه جایگاه پیش‌گیری از بزهکاری در هر یک از دو قانون مذکور تبیین می‌گردد. **گفتار اول - پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر قانون برنامه نخست توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**

قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۶۸ خورشیدی از رهگذر قانون مزبور پیش‌گیری از بزهکاری را مورد توجه قرار داده است. در قسمت یکم برنامه نخست توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۶۸ خورشیدی مقرر شده است که: «تلاش در جهت ایجاد امنیت قضائی و تحکیم مبانی نظری و عملی تساوی عموم در برابر قانون و اجرای عدالت و حمایت از آزادیهای مشروع فردی و اجتماعی از طریق پیش‌گیری از وقوع جرائم و انجام مراقبت بعد از خروج زندانیان از زندان و خانواده‌های آنان و برخورد قاطع با عوامل قاچاق مواد مخدر و سایر مفاصد اجتماعی [امکان‌پذیر است.]» بدین سان، قانون‌گذار ایرانی در برنامه نخست توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برابری در قبال قانون، ایجاد امنیت قضائی، اجرای عدالت و حمایت از آزادیهای مشروع فردی و اجتماعی را از رهگذر پیش‌گیری از بزهکاری و مراقبت پس از خروج از زندان - که یکی از مرحله‌های جرم‌شناسی بالینی است - میسر تلقی کرد.^(۱)

بنابر این، مقنن ایرانی در این قانون به دو گونه پیش‌گیری از بزهکاری توجه نموده است. بدین ترتیب، در قسمت نخست بند ۱۲- ۹ قانون مزبور عبارت «پیش‌گیری از وقوع جرائم» ناظر بر پیش‌گیری کنشی است تا شهروندان حتی برای نخستین مرتبه وارد وادی بزهکاری نشوند. به دیگر سخن، قانون‌گذار ایرانی با بیان چنین عبارتی استفاده از تدابیر و سازوکارهای

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، **زندان: درماتگاه بزهکاری و بزهکاران؟**، دیپاچه در: بولک (برنار)، **کیفرشناسی**، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۱۸۹.

کنشی - که ماهیتی پیشینی و غیرکیفری دارند - را به منظور کاهش میزان بزهکاری مدنظر قرار داده است. همچنین در قسمت دوم بند مذکور عبارت «انجام مراقبت بعد از خروج زندانیان از زندان» به پیشگیری واکنشی خاص (پیشگیری از تکرار جرم) اشاره نموده است. به بیان دیگر، در این قسمت مقنن ایرانی با رویکردی اصلاحی - درمانی به دنبال وارد نشدن دوباره بزهکاران در ورطه بزهکاری است. از این رو، قانونگذار ایرانی برای جلوگیری از تکرار جرم از یک سو مراقبت پس از خروج از زندان و از سویی دیگر اصلاح نظام زندانها^(۱) را پیشبینی کرده است.

گفتار دوم - پیشگیری از بزهکاری از رهگذر قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانونگذار ایرانی در سال ۱۳۸۳ خورشیدی از رهگذر قانون مزبور به پیشگیری از بزهکاری اشاره کرده است. بدین شکل که مقنن ایرانی در شماری از مواد این قانون از یک سو، پیشگیری از بزهکاری را بر عهده دولت جمهوری اسلامی نهاده است و از سویی دیگر این امر را از وظایف قوه قضائیه بر شمرده است. در این گفتار در دو قسمت جداگانه جایگاه پیشگیری از بزهکاری در این قانون تبیین می شود.

الف - رویکرد اجرائی به پیشگیری از بزهکاری

قانونگذار ایرانی مطابق ماده ۹۷ قانون مزبور مقرر نموده است که: «دولت مکلف است به منظور پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیبهای اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر اقدام نماید.» همچنین، براساس بند ۲ این ماده تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان، پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق

۱. مندرج در بند ۹-۱۱ قانون برنامه نخست توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سال

۱۳۶۸ خورشیدی.

آن، جلوگیری از تطهیر عواید ناشی از فعالیت‌های مجرمانه در زمینه مواد مخدر و روان‌گردان^(۱) و مطابق بند ج ماده ۱۱۱ قانون مذکور «انجام اقدام‌های لازم از جمله تهیه برنامه‌های پیش‌گیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان» بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران نهاده شده است. بدین‌سان، قانون‌گذار ایرانی با پیش‌بینی دو ماده مذکور در زمینه پیش‌گیری از بزه‌کاری، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است تا با اتخاذ تدابیر مناسب و اقدام‌های پیشینی و کنشی از آسیب‌های اجتماعی، بزه‌کاری در زمینه مواد مخدر و جرائم خشونت‌آمیز علیه زنان پیش‌گیری نماید.

ب - رویکرد قضائی به پیش‌گیری از بزه‌کاری

قانون‌گذار ایرانی در فصل یازدهم از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحت عنوان توسعه امور قضائی و ظایفی را برای قوه قضائیه بر شمرده است. مطابق بند ز ماده ۱۳۰ قوه قضائیه موظف شده است به «تمهید سازوکارهای لازم برای پیش‌گیری از وقوع جرم، بر اساس اصل یکصد و پنجاه ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» مبادرت ورزد. همچنین، بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مزبور سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - که یکی از سازمانهای تابعه قوه قضائیه است - مکلف شده است «به منظور بهبود وضعیت زندانها و ایجاد بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم و کاهش بازگشت مجدد به جرم توسط زندانیان آزاد شده در زمینه بهبود فضای فیزیکی زندانها و غیره اقدام نماید». بدین ترتیب، قانون‌گذار ایرانی از رهگذر دو ماده مزبور پیش‌گیری کنشی و پیش‌گیری واکنشی خاص از بزه‌کاری (پیش‌گیری از تکرار

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: سلیمی (صادق)، *تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پول‌شویی*، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی الهیات و حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰-۱۲۳.

جرم) را مورد توجه قرار داده است.

با ملاحظه چند ماده مزبور می‌توان دریافت که مقنن ایرانی در این قانون در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری سیاست متضادی را اتخاذ نموده است. بدین معنی که از یک سو پیش‌گیری از بزهکاری در شمار وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران نهاده شده است و از سویی دیگر قوه قضائیه موظف شده است تا به منظور اجرای بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم تدابیر مناسب را اتخاذ نماید. به دیگر سخن، قانون‌گذار ایرانی سیاست‌گذاری در زمینه پیش‌گیری از بزهکاری را هم به دولت جمهوری اسلامی ایران مانند؛ تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی و تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و هم به قوه قضائیه سپرده است. در حالی که بر اساس قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم «مدیریت پیش‌گیری از بزهکاری» به قوه قضائیه محول شده است. این امر نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار ایرانی با وجود تأکید قانون اساسی بر واگذاری مدیریت پیش‌گیری از بزهکاری به قوه قضائیه همچنان در چگونگی اجرای قسمت نخست بند ۵ اصل مزبور سرگردان است.

مبحث هشتم - پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی^(۱)

قانون‌گذار ایرانی از رهگذر قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی سال ۱۳۸۳ خورشیدی به پیش‌گیری از بزهکاری اشاره کرده است. با توجه به شمار زیادی از بندهای ماده ۱، بندهای سیزده گانه ماده ۴، بند ۵ ماده ۹ و ماده ۱۳ قانون مزبور پیش‌گیری از بزهکاری مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است. زیرا مقنن ایرانی از یک سو با برعهده گذاشتن سیاست‌گذاری در

۱. گفتنی است که در این راستا هیئت وزیران در سال ۱۳۸۴ خورشیدی آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «چتر حمایتی» تصویب کرده است.

زمینه‌های اشتغال، آموزش و پرورش، تربیت بدنی، مسکن، بهداشت و درمان و سایر بخشهای مرتبط با حوزه تأمین اجتماعی برای شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و به‌کارگیری تمهیدات لازم در مورد فقرزدایی، حمایت از زنان باردار، حمایت از کودکان و زنان بی‌سرپرست و حتی بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و خودسرپرست و از سویی دیگر با پیش‌بینی اعمال سیاستهای پیش‌گیرانه به منظور پیش‌گیری از بروز یا گسترش کج‌رویه‌ها و مشکلات اجتماعی پیش‌گیری از بزهکاری را مدنظر قرار داده است. بدین ترتیب، قانون‌گذار ایرانی با نهادن اقداماتی بر عهده نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی که به طور عمده بسترهای ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند یا آنها را از بین می‌برند با «رویکردی اجتماعی» به پیش‌گیری از بزهکاری نگریسته است. بنابر این، تدابیر پیش‌گیرانه‌ای که از سوی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اتخاذ می‌گردد جنبه کنشی دارند تا از رهگذر این تدابیر - که پیش از وقوع بزه اعمال می‌شوند - شمار آسیبه‌های اجتماعی از جمله بزهکاری با کاهش مواجه شود.

فصل سوم - پیش‌گیری از بزهکاری در پرتو مقررات فروتقنینی

پیش‌گیری از بزهکاری در مقررات فروتقنینی - یعنی آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد. در این فصل که دربرگیرنده دو مبحث است، نخست از پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر آیین‌نامه‌ها و سپس از پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر بخشنامه‌ها سخن به میان می‌آید.

مبحث اول - پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه‌ها

در این مبحث جایگاه پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، در چهار گفتار پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه پیش‌گیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر، آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، آیین‌نامه اجرائی سازمان

زندانشان و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و آیین‌نامه ستاد حفاظت اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

گفتار اول - پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه پیش‌گیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر

به دنبال تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۶ خورشیدی و اختصاص یافتن شماری از مواد آن قانون به پیش‌گیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر، ستاد مبارزه با مواد مخدر در همین راستا آیین‌نامه‌ای را در سال ۱۳۷۷ خورشیدی تدوین نمود. این آیین‌نامه اگرچه به صورت اختصاصی پیش‌گیری از اعتیاد را مورد توجه قرار داده است ولی پیش از آن آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن سال ۱۳۷۷ خورشیدی از رهگذر بند ب ماده ۱ و ماده ۲۹ آیین‌نامه مزبور به پیش‌گیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر توجه شده است. در بند ب ماده ۱ آیین‌نامه مذکور مقرر شده است که ستاد مبارزه با مواد مخدر به عملیات اجرائی و قضائی و برنامه‌های پیش‌گیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر مبادرت می‌ورزد. همچنین در ماده ۲۹ این آیین‌نامه بیان گردیده است که «در اجرای ماده ۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن [کمیته‌های تخصصی تحت عنوان آموزش عمومی، پیش‌گیری و درمان و بازپروری، تبلیغات و مقابله با عرضه و... ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور با بیان عبارت «آموزش عمومی، پیش‌گیری و درمان و بازپروری، تبلیغات و مقابله با عرضه» همه گونه‌های پیش‌گیری از بزهکاری ناظر بر جرائم مرتبط با مواد مخدر را مورد اشاره قرار داده است.^(۱)

به هر حال ستاد مبارزه با مواد مخدر در همان سال - یعنی سال ۱۳۷۷ خورشیدی - نسبت به تدوین آیین‌نامه‌ای اختصاصی در زمینه پیش‌گیری از اعتیاد تمسک جست.

از آنجایی که اعتیاد به مواد مخدر در ایران پیشینه‌ای کهن دارد، پیش‌گیری از آن نیز به چند سده پیش برمی‌گردد و این موضوع نشان می‌دهد که اعتیاد به مواد مخدر هیچ‌گاه در بین ایرانیان مقبولیت عام نداشته است.^(۱) امروزه نیز اعتیاد به مواد مخدر نه تنها در ایران بلکه در همه کشورهای دنیا به یک بحران تبدیل شده است به گونه‌ای که همه دست‌اندرکاران مبارزه با این پدیده را با مشکل روبه‌رو نموده است.

به همین دلیل تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور با رویکردی پیش‌گیرانه به کاهش میزان اعتیاد به مواد مخدر توجه نموده‌اند. بنابر این، مطابق این آیین‌نامه ستاد مبارزه با مواد مخدر وظیفه دارد در راستای پیش‌گیری از این گونه از بزهکاری اقدام نماید و برای تحقق این امر نیز موظف شده است تا از همکاری و مشارکت نهادهای گوناگون دولتی، جامعی و بین‌المللی بهره گیرد.^(۲)

پیش‌گیری از بزهکاری به گونه‌های متفاوتی دسته‌بندی می‌شود یکی از این تقسیم‌بندیها الگوی سه‌گانه پیش‌گیری از بزهکاری است. براساس این دسته‌بندی که برگرفته از دانش پزشکی است و از سال ۱۹۶۷ میلادی وارد پهنه جرم‌شناسی شده است، پیش‌گیری از بزهکاری به سه گونه پیش‌گیری نخستین، دومین - که جنبه پیشینی دارند - و سومین - که جنبه پسینی دارد -

۱. اردبیلی (محمدعلی)، **پیش‌گیری از اعتیاد**، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، جلد نخست، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰.

۲. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، **دوآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر**، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، همان، ص ۲۵.

تقسیم می‌گردد. پیش‌گیری نخستین دربرگیرنده اقداماتی می‌شود که جهت‌گیری آن بر هم زدن اوضاع و احوال جرم‌زا در محیط فیزیکی و اجتماعی است.^(۱) به دیگر سخن، این پیش‌گیری شامل تدابیر و اقداماتی است که به دنبال سالم‌سازی محیط طبیعی و اجتماعی و تغییر شرایط جرم‌زایند.^(۲) بنابر این، پیش‌گیری نخستین مجموعه آن دسته از راهبردهایی است که از رهگذر زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی درصدد تأثیرگذاری بر موقعیتهای جرم‌زا و علل بزهکاری است.^(۳) از این رو، اتخاذ تدابیری مناسب در زمینه‌هایی مانند؛ اشتغال، فقر، مسکن که پیش از ارتکاب جرم اعمال می‌شوند در گستره این گونه از پیش‌گیری جای می‌گیرد. پیش‌گیری دومین که پیش از ارتکاب بزه اعمال می‌گردد به دنبال شناسایی و جلوگیری از بزهکاری افرادی است که بیش از دیگران در معرض خطر بزهکاری قرار دارند.^(۴) به دیگر سخن، این پیش‌گیری از پیش‌بینی در زمینه وضعیتهای جرم‌زا تأثیر می‌پذیرد.^(۵) تا از این رهگذر افرادی که در شرایط بحرانی جرم‌زا قرار دارند، نخست مورد شناسایی قرار گیرند و سپس با اعمال اقدامات مناسب پیش‌گیرانه احتمال بزهکاری آنها را با کاهش روبرو کرد. بنابر این، اقدامات روان - جامعه‌شناختی زود هنگام نسبت به افرادی که نشانه‌های خطر در آنها مشاهده می‌شود مانند؛ برخورداری از والدین معتاد از جلوه‌های پیش‌گیری دومین به شمار می‌رود. پیش‌گیری سومین که به آن پیش‌گیری از تکرار جرم نیز گویند دربرگیرنده آن دسته از تدابیر است که پس

۱. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، *تقریرات مباحثی در علوم جنائی*، جلد نخست، همان، ص ۷۴۹.
۲. نیازپور (امیرحسین)، *پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم*، ص ۱۳۱.
۳. گراهام (جان)، *راهبردهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی*، همان، ص ۱۲.
۴. صفاری (علی)، *مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳، ۳۴، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸.
۵. کلدی (علیرضا)، *انحراف، جرم و پیشگیری*، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲، ۱۳۸۱، ص ۶۵.

از وقوع جرم و به منظور جلوگیری از بزهکاری دوباره افراد اعمال می‌شود. این گونه از پیش‌گیری با استفاده از سازوکارهای دستگاه عدالت کیفری مانند؛ کیفر زندان در تلاش است تا با رویکردی اصلاحی - درمانی از وارد شدن دوباره بزهکاران به وادی بزهکاری جلوگیری کند. زیرا پیش‌گیری سومین کیفر را دارای خاصیت درمانی - اصلاحی می‌داند اگرچه پژوهشهای جرم‌شناختی و کیفرشناختی نشان داده‌اند که جرم‌شناسی اصلاحی - درمانی به دلایل متعددی با شکست مواجه شده است^(۱) به گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد مجازاتهای اصلاحگر و درمان‌کننده تنها به تدابیر سرکوبگر تبدیل شده‌اند.

تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مزبور با پیروی از الگوی سه‌گانه پیش‌گیری از بزهکاری، پیش‌گیری نخستین، دومین و سومین را در این آیین‌نامه پیش‌بینی کرده‌اند.^(۲) از این رو، پیش‌گیری از اعتیاد، حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد به مواد مخدر و درمان معتادان به مواد مخدر از سوی تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور مطرح گردید. بدین ترتیب، در ادامه در سه قسمت جداگانه پیش‌گیریهای سه‌گانه از رهگذر آیین‌نامه مزبور بررسی می‌شود.

الف. پیش‌گیری نخستین از اعتیاد

پیش‌گیری نخستین در زمینه جلوگیری از اعتیاد به مواد مخدر دربرگیرنده آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که سبب می‌شوند تا زمینه‌های مساعد برای گرایش به اعتیاد با کاهش مواجه شوند. اقداماتی مانند؛ آموزش لازم به شهروندان درباره خطرها و مشکلات ناشی از استفاده مواد مخدر از جمله

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، همان، ص ۹۸ - ۱۶۶ و همچنین ر.ک: صفاری (علی)، کیفرشناسی و توجیه کیفر، مجموعه مقالات علوم جنائی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۸۹ - ۱۵۱.

۲. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، دوامدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، همان، ص ۲۵.

جلوه‌های این پیش‌گیری به شمار می‌روند.^(۱) بدین سان، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور از رهگذر شماری از مواد این آیین‌نامه پیش‌گیری نخستین از اعتیاد را مورد توجه قرار داده‌اند. تا از این رهگذر نهادهای دولتی و جامعی از یک سو علل گرایش به استفاده از مواد مخدر را شناسایی کنند و از سوی دیگر با اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری اقدامات فایده‌مند علل گرایش به اعتیاد را از بین ببرند یا با کاهش روبه‌رو نمایند. بدین ترتیب، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور در بندهای ۴ و ۱ ماده ۱، بندهای ۱۷ و ۱۶ و ۱۲ و ۹ و ۸ و ۵ ماده ۲، بندهای ۶ و ۵ و ۴، ۱ ماده ۵ و مواد ۸ و ۷ و ۶ آن به تدابیری که در گستره پیش‌گیری نخستین از اعتیاد به مواد مخدر جای می‌گیرد، اشاره کرده‌اند. بندهای ۴ و ۱ ماده ۱ مقرر می‌نمایند که ستاد مبارزه با مواد مخدر، نهادهای دولتی و جامعی باید از رهگذر انجام اقدامات فرهنگی، ارشادی، تبلیغی و معاضدتی جهت کاهش تقاضای مواد مخدر به پیش‌گیری از اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مبادرت ورزند.

مطابق ماده ۲ این آیین‌نامه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است تا در زمینه «طراحی و اجرای منطقه‌ای برنامه‌های جامع پیش‌گیری از اعتیاد» (بند ۲)، «تولید مجموعه‌های آموزشی و برگزاری دوره‌ای آموزشی برای گروه‌های مختلف هدف شامل؛ کودکان و نوجوانان، کادر آموزش و پرورش، والدین، مربیان و رابطین بهداشت» (بند ۸)، «طراحی و اجرای برنامه‌های مبارزه با مصرف سیگار» (بند ۹)، «تمهید اقدامات لازم برای گسترش مشارکتهای مردمی در امر پیش‌گیری و درمان اعتیاد به ویژه گروه‌های خودیاری معتادان با هماهنگی وزارت کشور» (بند ۱۲)، «ایجاد بانک اطلاعات اعتیاد و اجرای برنامه‌های سالانه همه‌گیرشناسی» (بند ۱۶) و

۱. آتشین (شعله)، ما، اعتیاد، جامعه، انتشارات گهر منظوم، جلد سوم، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

«ارتباط با سازمانهای بین‌المللی مرتبط با کاهش تقاضای مواد مخدر و تمهید دریافت امکانات و کمکهای مربوطه از آنان با هماهنگی ستاد» (بند ۱۷)، مطابق ماده ۵ آموزش و پرورش موظف شده است از رهگذر «ارائه و اجرای طرحهایی به منظور پیش‌گیری از اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر و افزایش آگاهیهای [دست‌اندرکاران] اداری و آموزشی، دانش‌آموزان و انجمن اولیاء و مربیان» (بند ۱)، «فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، تبلیغاتی از طریق مقتضی» (بند ۴) و «اجرای برنامه‌های فرهنگی و تجهیز کتابخانه‌های مدارس و نیز گسترش مراکز مشاوره برای اوقات فراغت دانش‌آموزان» (بند ۵) به پیش‌گیری نخستین از اعتیاد مبادرت ورزد.

براساس ماده ۶ این آیین‌نامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «با اتخاذ تدابیر لازم برای آموزش عمومی (از جمله درج آگهیهای آموزشی با تخفیف ویژه) از طریق رسانه‌های نوشتاری (مجلات، روزنامه‌ها، کتب و غیره) و ایجاد زمینه مناسب جهت تسهیل انتشار کتب آموزشی مربوطه» (بند ۱)، «فراهم آوردن زمینه مناسب جهت ساخت فیلمهای کوتاه و بلندمدت سینمایی، آموزشی و هشداردهنده و کمک به اجرای تئاترهای مختلف و انجام برنامه‌های هنری و تشویق هنرمندان متعهد و مجرب کشور جهت شرکت در برنامه‌های پیش‌گیرانه» (بند ۲) و «تخصیص بخشی از اقلام فرهنگی با یارانه به متقاضیان بخش خصوصی و دولتی فعال در امر پیش‌گیری...» (بند ۳) در زمینه پیش‌گیری نخستین از اعتیاد اقدام نماید.

با توجه به ماده ۷ آیین‌نامه مزبور «سازمان صدا و سیما مکلف است با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر درصدی از برنامه‌های خود را در قالب فیلم، سریال، پیامهای آموزشی و هشداردهنده و آموزشهای تخصصی از شبکه سراسری و شبکه‌های استانی در زمینه پیش‌گیری و درمان اعتیاد اختصاص دهد.» مطابق ماده ۸ آیین‌نامه مذکور «سازمان تبلیغات اسلامی موظف است با توجیه مبلغین و اعزام آنها به اقصى نقاط کشور تمهیدات لازم

را برای فراگیر کردن امر پیش‌گیری از اعتیاد و... فراهم آورد.»

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مزبور با رویکردی پیش‌گیرانه به نقش فرهنگ‌سازی در پیش‌گیری نخستین از اعتیاد توجه کرده‌اند.

ب. پیش‌گیری دومین از اعتیاد

پیش‌گیری دومین از اعتیاد شامل تدابیری است که به منظور جلوگیری از معتاد شدن افراد در آستانه اعتیاد اتخاذ می‌شوند. به دیگر سخن، این گونه از پیش‌گیری در صدد است تا از تبدیل شدن معتادان احتمالی به معتادان واقعی جلوگیری نماید. بدین سان، تشخیص زودهنگام نشانه‌های خطر در شماری از افراد - که در آستانه معتاد شدن قرار دارند - تأثیر بسزایی بر پیش‌گیری از اعتیاد دارد.

با بررسی آیین‌نامه مذکور ملاحظه می‌گردد که تدوین‌کنندگان آن از رهگذر بند ۴ ماده ۱، بند ۱۰ ماده ۲، ماده ۳ و بند ۲ ماده ۵ به پیش‌گیری دومین از اعتیاد اشاره نموده‌اند. در بند ۴ ماده ۱ مقرر شده است که ستاد مبارزه با مواد مخدر موظف است با «اتخاذ تدابیر مناسب به منظور مصون‌سازی افراد در معرض خطر» در جهت کاهش میزان اعتیاد تلاش نماید. بند ۱۰ ماده ۲ آیین‌نامه مزبور در این زمینه بیان می‌کند که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است به «گسترش کمی و کیفی مراکز مشاوره‌ای و حمایتی برای گروه‌های در معرض خطر و خطوط تلفنی مداخله در بحران برای اعتیاد» اقدام نماید.

ماده ۳ این آیین‌نامه به «حمایتهای مادی و معنوی مناسب از خانواده‌های مصدومین (کودکان، همسران و افراد تحت تکفل)» اشاره کرده است. مطابق بند ۲ ماده ۵ نیز وزارت آموزش و پرورش موظف است در زمینه «شناسایی دانش‌آموزان در معرض آسیب (دانش‌آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به

معرفی آنان به مراجع پیش‌گیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزشهای لازم برای این نوع از دانش‌آموزان» تلاش کند.

بنابر این، تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مزبور با اختصاص دادن شماری از مواد آن به پیش‌گیری از اعتیاد افراد در معرض خطر پیش‌گیری دومین از اعتیاد را مورد توجه قرار داده‌اند.

ج. پیش‌گیری سومین از اعتیاد

این گونه از پیش‌گیری دربرگیرنده آن دسته از تدابیری است که به منظور درمان، اصلاح و بازسازی معتادان اتخاذ می‌شود. به بیان دیگر، پیش‌گیری سومین از اعتیاد شامل اقدامهایی است که برای جلوگیری از اعتیاد دوباره معتادان اعمال می‌گردد. تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مزبور در بندهای ۳ و ۲ ماده ۱، بندهای ۱۴ و ۴، ۳، ۲، ۱ ماده ۲، ماده ۱۲ و ماده ۱۳ پیش‌گیری مزبور را پیش‌بینی کرده‌اند.

بندهای ۳ و ۲ ماده ۱ «درمان و بازپروری معتادان» و «تمهیدات لازم پس از آزادی» را در زمره وظایف اصلی ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار داده‌اند. مطابق شماری از بندهای ماده ۲ آیین‌نامه مذکور وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وظیفه دارد به «توسعه و تجهیز مراکز تخصصی برای درمان معتادان خود معرف و ارائه تسهیلات ویژه درمانی به منظور ترغیب بخش خصوصی به ایجاد مراکز ترک اعتیاد» (بند ۱)، «فراهم آوردن تسهیلات و امکانات لازم (از جمله داروهای مورد نیاز) برای فعال کردن شبکه بهداشتی و درمانی کشور به منظور ترک اعتیاد معتادین» (بند ۲)، «تأمین و تربیت کادر تخصصی مراکز درمانی و بازپروری و ایجاد واحدهای درسی تخصصی ویژه در چهارچوب آموزشهای دانشگاهی برای پزشکان، روان‌پزشکان، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی در زمینه آسیب‌شناسی روانی و بهبود وضعیت معتادان» (بند ۳)، «ادغام برنامه‌های پیش‌گیری و درمان اعتیاد در نظام بهداشتی و درمانی کشور» (بند ۴) و «فراهم نمودن امکان درمان معتادان

در کلیه درمانگاههای عمومی و امکان بستری معتادان نیازمند به درمان به شیوه بستری، گسترش مراکز خاص درمان و بازتوانی معتادان و تمهید تسهیلات لازم برای راهاندازی کلینیکهای خصوصی ترک اعتیاد، تأمین داروها و کیت‌های تشخیصی مورد نیاز» (بند ۱۴) مبادرت ورزد. مطابق ماده ۱۲ این آیین‌نامه «سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی با هماهنگی و همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تربیت بدنی موظف است با انجام فعالیتهای فرهنگی، تبلیغی، آموزشی و ورزشی و ارائه خدمات مشاوره‌ای، درمانی و مددکاری در زندانها و سایر مراکز مربوط نسبت به بهبود وضعیت جسمی و روحی معتادان زندانی اقدامات لازم را به عمل آورد.» بر اساس ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور نیز «وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، کشاورزی، جهاد سازندگی و نیرو مکتفند با همکاری سازمان زندانها نسبت به گسترش امکانات لازم جهت کارآموزی در داخل و خارج از زندان برای معتادان فاقد تخصص شغل معین اقدام نماید.» بدین‌سان، ملاحظه می‌شود که پیش‌گیری سومین از اعتیاد در آیین‌نامه مزبور دارای جایگاه می‌باشد.

به هر حال تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه با رویکردی کنشی و واکنشی و به صورت اختصاصی به پیش‌گیری از اعتیاد توجه کرده‌اند. بدین معنی که آنها با اشاره به جلوه‌هایی از پیش‌گیری نخستین و دومین رویکرد کنشی به پیش‌گیری از اعتیاد را مدنظر قرار داده‌اند و با بیان مصادیقی از پیش‌گیری سومین رویکرد واکنشی به پیش‌گیری از اعتیاد که از ماهیتی اصلاحی - درمانی برخوردار است را پیش‌بینی نموده‌اند. از این رو، پیش‌گیری کنشی و واکنشی از اعتیاد در گستره این آیین‌نامه قرار می‌گیرند.

گفتار دوم- پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج
یکی از مهم‌ترین مرحله‌های جرم‌شناسی بالینی مراقبت بزهکاران پس از اجرای کیفر می‌باشد تا آنها دوباره به ارتکاب رفتارهای مجرمانه گرایش پیدا

نکنند. به همین دلیل اتخاذ تدابیر مناسب حمایتی نسبت به مجرمانی که مجازات را تحمل کرده‌اند نقش بسزایی در بازگشت نکردن آنها به وادی مجرمانه ایفا می‌نماید.^(۱) از این رو، آیین‌نامه مذکور که در سال ۱۳۷۸ خورشیدی به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید با رویکردی حمایتی مراقبت زندانیان پس از خروج از زندان را مدنظر قرار داده است.

پیش‌گیری از بزهکاری از یک نظر به دو گونه «پیش‌گیری پیشینی» و «پیش‌گیری پسینی» دسته‌بندی می‌شود. پیش‌گیری پیشینی - که ماهیتی کنشی دارد - دربرگیرنده آن دسته از اقدامهایی است که پیش از وقوع جرم به منظور جلوگیری از بزهکاری نخستین اعمال می‌گردد. پیش‌گیری پسینی - که از نظر ذاتی اقدامی واکنشی است - شامل اقدامهایی است که پس از ارتکاب جرم برای جلوگیری از بزهکاری دوباره افراد اعمال می‌شود. به دیگر سخن، این گونه از پیش‌گیری با استفاده از سازوکارهای دستگاه عدالت کیفری مانند؛ مجازات زندان درصدد بازپذیری اجتماعی بزهکاران می‌باشد.

با توجه به ماده ۱ آیین‌نامه مزبور ماهیت پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر آن جنبه پسینی دارد و به منظور جلوگیری از تکرار جرم اعمال می‌شود. بدین ترتیب، مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج تدابیر اصلاحی - درمانی را برای همنوایی دوباره بزهکاران محکوم به کیفر زندان با قواعد اجتماعی و پیش‌گیری از تکرار جرم اتخاذ می‌نمایند.

گفتار سوم - پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سازمانی مستقل است که به صورت مستقیم زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام

۱. برای آگاهی بیشتر رک: رجبی (امین)، شرح آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، انتشارات دانشور، چاپ نخست، ۱۳۸۲، صص ۱۹۸-۱۹۷.

وظیفه می‌کند. براساس ماده ۳ آیین‌نامه مذکور نیز «زندان محلی است که در آن محکومیت قطعی با معرفی مقامات ذی‌صلاح قضائی و قانونی برای مدت معین به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگه‌داری می‌شوند.» بدین ترتیب، هدف تأسیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و کیفر زندان از نظر تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه اصلاح و درمان بزهکاران و در نتیجه پیش‌گیری از تکرار جرم است. برای تحقق چنین امری بندک ماده ۲۰ آیین‌نامه مزبور «تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت روشهای پیش‌گیری از وقوع جرائم و بررسی علل و انگیزه‌های ارتکاب آن و ارائه به رؤسای قوای سه‌گانه» را به عنوان یکی از وظایف سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی کرده است تا از این رهگذر از یک سو علل و عوامل جرم‌زا شناسایی شوند و از سویی دیگر روشهای اصلاحی - درمانی متناسب با علل و عوامل جرم‌زا اعمال گردند تا بزهکاران زندانی دوباره وارد پهنه بزهکاری نشوند.

بنابر این، هدف تأسیس این سازمان اصلاح و درمان بزهکاران و بازپروری اجتماعی آنهاست تا از بزهکاری دوباره آنها پیش‌گیری شود.

کیفر به طور کلی و مجازات زندان به طور خاص از جمله ابزارهای پیش‌گیری و واکنشی به شمار می‌روند که برای بازسازگاری بزهکاران و هم‌نوا کردن آنها با قواعد اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این رو، آیین‌نامه مزبور با رویکردی اصلاحی - درمانی - پرورشی به دنبال سازگاری دوباره بزهکاران و پیش‌گیری از تکرار جرم است.^(۱) بدین شکل که با سالم‌سازی شخصیت بزهکار و ترمیم فرایند جامعه‌پذیری مجرم وی را از ارتکاب دوباره بزهکاری منصرف کند. بدین ترتیب، اقدامهای سازمان زندانها و اقدامات

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: معظمی (شهبلا)، *نهمین کنگره سازمان ملل متحد دو زمینه پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرمین*، مجله امنیت، شماره ۹-۱۰، ۱۳۷۹، ص ۵۳.

تأمینی و تربیتی ناظر بر پیش‌گیری واکنشی از بزهکاری است.

گفتار چهارم - پیش‌گیری از بزهکاری در آیین‌نامه ستاد حفاظت اجتماعی

از آنجایی که مطابق قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی مسئولیت پیش‌گیری از بزهکاری بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است در سال ۱۳۸۳ خورشیدی آیین‌نامه‌ای از سوی رئیس قوه قضائیه به تصویب رسید^(۱) تا از رهگذر آن پیش‌گیری از بزهکاری محقق گردد. این در حالی است که به منظور اجرایی کردن قسمت نخست بند ۵ اصل مزبور و تدوین لایحه‌ای در این زمینه در سال ۱۳۸۱ خورشیدی کمیسیون پیش‌گیری از وقوع جرم در مرکز مطالعات توسعه قضائی تشکیل گردید.^(۲) این کمیسیون با تدوین لایحه‌ای در این زمینه تحت عنوان لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم با رویکردی مدیریتی به قسمت نخست بند ۵ اصل مذکور نگریسته است. مقایسه این آیین‌نامه با لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم^(۳) نشان‌دهنده وجود دو رویکرد متفاوت به پیش‌گیری از بزهکاری در قوه قضائیه است. بدین سان، در این گفتار در دو قسمت جداگانه، نخست ضرورت و هدف تأسیس ستاد حفاظت اجتماعی و سپس ساختار و وظایف آن بیان می‌شود. اما پیش از اینکه از این موارد سخن به میان آید لازم است درباره نام این نهاد یعنی «ستاد حفاظت اجتماعی» اندک توضیحی داده شود. حفاظت از نظر لغوی نگاهبانی، نگهداری و حراست معنا شده است.^(۴) اما از حیث اصطلاحی واژه‌ای است که معمولاً در امور نظامی از آن استفاده می‌کنند. از این رو، نام‌گذاری نهادی که باید به پیش‌گیری از بزهکاری بپردازد - که پدیده‌ای است

۱. باید گفت که این آیین‌نامه مطابق بند الف ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه سال ۱۳۷۸ خورشیدی به تصویب رسیده است.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نیازپور (امیرحسین)، **پیش‌گیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیش‌گیری از جرم**، همان، ص ۱۲۶.

۳. گفتنی است که لایحه مزبور در مبحث بعدی این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. عمید (حسن)، همان، ص ۴۲۶.

انسانی - اجتماعی - دارای ایراد است. به هر حال، به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مزبور با رویکردی عقیدتی - عملیاتی - قضائی امنیتی به بزهکاری و پیش‌گیری از آن توجه نموده‌اند. در حالی که باید به پیش‌گیری از بزهکاری با رویکردی اجتماعی - اجرایی نگرسته شود و برای جلوگیری از وقوع آن از تدابیر کنشی بهره گرفت.^(۱)

مطابق ماده ۱ و بندهای ماده ۳ این آیین‌نامه هدف تأسیس نهاد مزبور بیان شده است. براساس ماده ۱ آیین‌نامه مذکور ستاد حفاظت اجتماعی به منظور «اجرای بند ۱ اصل سوم، بندهای ۵ و ۴ اصل یکصد و پنجاه و ششم و بند ۱ اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای عینیت بخشیدن به اصل هشتم قانون اساسی که وظیفه‌ای همگانی است، در جهت حفاظت از هرگونه آلودگی، جرم و جنایت و تشکیل اجتماعات مضر به امنیت و سلامت جامعه و احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر که «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یاأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» و کاهش و رفع مفاسد در جامعه تشکیل می‌شود. ماده ۳ نیز در این زمینه مقرر می‌نماید که: «احیای سنت حسنه امر به معروف و نهی از منکر» (بند الف)، «پیش‌گیری از وقوع جرم» (بند ب)، «پاکسازی جامعه از عناصر مجرم» (بند ج)، «انسجام بخشیدن به امت حزب الله در جهت اصلاح جامعه» (بند د) و «نظارت و حمایت قانونی از امر به معروف و نهی از منکر» (بند ر) در شمار هدفهای ستاد حفاظت اجتماعی قرار دارند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مذکور با رویکردی عقیدتی - عملیاتی - قضائی - امنیتی به پیش‌گیری از بزهکاری نگرسته‌اند. زیرا آن گونه که در مقدمه ماده ۱ و بندهای الف و ر ماده ۳ این آیین‌نامه مورد اشاره قرار گرفته

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، *تقریرات جرم‌شناسی نظری* (دوره دکتری)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

است «احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر» هدف اصلی تأسیس این نهاد می‌باشد که برای تحقق چنین هدفی این ستاد با ساختاری قضائی به استخدام نیرو و کمک گرفتن از نیروهای انتظامی و نظامی تمسک می‌جوید. ستاد حفاظت اجتماعی که به منظور اجرایی کردن قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم با «رویکردی عقیدتی - عملیاتی - قضائی - امنیتی» تأسیس شده است ولی با توجه به گفتمان مدیریتی از بند ۵ اصل مزبور چنین اقدامی از ایراد مبرا نیست. زیرا پیش‌گیری از بزه‌کاری از حیث اجرایی عملیاتی به امکانات و ابزارهایی نیازمند است که این ستاد آنها را در اختیار ندارد. با این وجود، چگونه نهاد مزبور می‌تواند به پیش‌گیری از بزه‌کاری کمک نماید؟ به دیگر سخن، بزه‌کاری به عنوان پدیده‌ای انسانی - اجتماعی تحت تأثیر عواملی مانند؛ عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد که پیش‌گیری از آن نیز از رهگذر تأثیرگذاری برچنین عواملی امکان‌پذیر است. از این رو، ستاد حفاظت اجتماعی با برخورداری از ساختاری قضائی - امنیتی نمی‌تواند به کاهش میزان بزه‌کاری کمک نماید. برای اینکه تنها شماری از مسئولان قضائی و امنیتی در این ستاد چه در سطح ملی و چه در سطح استان در جهت پیش‌گیری از بزه‌کاری اقدام می‌نمایند که به روشنی پیداست این عده از توانایی کافی برای پیش‌گیری از بزه‌کاری و تأثیرگذاری بر عوامل جرم‌زا به دلیل در اختیار نداشتن امکانات کافی برخوردار نمی‌باشند. بدین ترتیب، از آنجایی که پیش‌گیری از بزه‌کاری امری ملی است باید با «رویکردی فرابخشی» و نه بخشی به آن توجه شود تا با بهره‌گیری از همه امکانات و همکاری تمامی نهادهای دولتی و جامعه‌ی در این زمینه اقدام کرد. بنابر این، قوه قضائیه نمی‌تواند به تنهایی از رهگذر ستاد حفاظت اجتماعی و به صورت عملیاتی به پیش‌گیری از بزه‌کاری مبادرت ورزد بلکه این قوه باید با همکاری نهادهای دولتی - اجرایی و جامعه‌ی در زمینه پیش‌گیری از بزه‌کاری تلاش نماید.

همچنین، مطابق بند ۵ آیین‌نامه مذکور بیشتر وظایف شورای مرکزی ستاد حفاظت اجتماعی - به غیر از وظیفه‌ای که در بند نخست بیان شده است - جنبه اداری - اجرایی دارد و چندان به پیش‌گیری از بزهکاری مرتبط نیست. به دیگر سخن، بیشتر وظایف شورای مرکزی این ستاد آن گونه که ماده ۵ آیین‌نامه مزبور مقرر می‌نماید به جای اینکه مربوط به پیش‌گیری از بزهکاری و سیاست‌گذاری در این زمینه باشد به استخدام نیرو، تعدیل نیروی انسانی، تغییر یا اصلاح ساختار و تعیین بودجه مرتبط است. بنابر این، به نظر می‌رسد واگذاری پیش‌گیری از بزهکاری به ستاد حفاظت اجتماعی ناشی از برداشت نادرست و سطحی تدوین‌کنندگان آیین‌نامه مزبور از قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم است.

مبحث دوم - پیش‌گیری از بزهکاری در بخشنامه‌های قضائی

با توجه به اینکه بر اساس قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم پیش‌گیری از بزهکاری یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه است ولی تا سال ۱۳۷۹ خورشیدی هیچ بخشنامه‌ای از سوی رئیس این قوه در این زمینه صادر نشده است. در این مبحث در دو گفتار جداگانه بخشنامه‌های مربوط به پیش‌گیری از بزهکاری - که از سوی رئیس قوه قضائیه صادر شده است - مورد بررسی قرار می‌گیرند.^(۱)

گفتار نخست - پیش‌گیری از بزهکاری در بخشنامه تشکیل ستاد پیش‌گیری و مبارزه با جرائم ویژه

این بخشنامه در سال ۱۳۷۹ خورشیدی از سوی رئیس قوه قضائیه برای رئیس‌ان کل دادگستری استانها صادر شده است تا آنها در زمینه پیش‌گیری از

۱. افزودنی است اگرچه شماری از بخشنامه‌ها و دستورالعملهای نهادهای اجرایی در راستای پیش‌گیری از بزهکاری صادر شده است ولی در این مبحث فقط بخشنامه‌های قضائی به این دلیل که قوه قضائیه مطابق قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم متولی اصلی پیش‌گیری از بزهکاری است مورد بحث قرار می‌گیرند.

بزهکاری اقدام نمایند.

براساس این بخشنامه تسهیل در تحقق هدفها و مأموریتهای قوه قضائیه در امور مربوط به حقوق فردی و اجتماعی - که به نظر می‌رسد اجرای قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم مدنظر است - ایجاد فضای اطمینان بخش عمومی در راستای انجام وظایف و مسئولیتهای قانونی، ایفای نقش بیشتر دستگاه قضائی در برخورد با معضلات اجتماعی از جمله دو پدیده «ناامنی» و «مفاسد اجتماعی» در سطح کشور، اتخاذ تدابیر و راهکارهای اجرایی مؤثر، به هنگام و فراگیر در این زمینه و مقابله با جرائم خاص، مانند؛ سرقتها، باندی و مسلحانه، شرارتهای اراذل و اوباش، مزاحمت‌های ناموسی و مفاسد اجتماعی به عنوان هدفهای تأسیس این ستاد بیان شده‌اند.

مطابق این بخشنامه ستاد مزبور با مسئولیت رئیس کل دادگستری هر استان و عضویت فرماندهان نیروی انتظامی استان، نیروی مقاومت بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مسئولان واحدهای اطلاعاتی نیروهای مذکور در هر استان تشکیل می‌گردد. بدین سان، ملاحظه می‌شود که براساس بخشنامه مذکور ستاد پیش‌گیری و مبارزه با جرائم ویژه با «ساختاری قضائی - امنیتی - اطلاعاتی» به دنبال پیش‌گیری از بزهکاری است. به دیگر سخن، این ستاد با رویکردی فرابخشی ولی از نوع قضائی - امنیتی - اطلاعاتی درصدد پیش‌گیری از وقوع جرائمی است که بیشتر جنبه خیابانی دارند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر این ستاد بیشتر جنبه قهرآمیز و سرکوبگر داشته باشد.

گفتار دوم - پیش‌گیری از بزهکاری در بخشنامه تشکیل ستاد ویژه در مراکز استانها برای مبارزه قاطع با اعتیاد و جرائم مرتبط با مواد مخدر

بخشنامه مزبور در سال ۱۳۸۱ خورشیدی از سوی رئیس قوه قضائیه برای رؤسای دادگستری استانها، دادگاههای انقلاب اسلامی و سازمان زندانها و

اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صادر شده است که از این رهگذر ستادی ویژه در زمینه مبارزه با اعتیاد و جرائم مرتبط با مواد مخدر تأسیس شود.

با توجه به این بخشنامه مبارزه قاطع و قانونی با پدیده اعتیاد و جرائم مرتبط با مواد مخدر، پاک‌سازی نقاط آلوده شهرهای بزرگ از عوامل توزیع، مصرف مواد و پیش‌گیری از تکرار این جرائم، زدودن ناهنجاریهای ناشی از گونه‌های مواد مخدر، ایجاد محیط امن، مطمئن و عاری از مفاسد و اجرای مؤثرتر قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن سال ۱۳۷۶ خورشیدی به عنوان هدفهای تأسیس ستاد مزبور بیان شده‌اند.

براساس بخشنامه مزبور این ستاد در مرکز هر استان با حضور رئیس کل دادگستری، فرمانده نیروی انتظامی استان و مدیر کل زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تشکیل می‌گردد. بدین‌سان، ستاد مزبور با ساختاری قضائی - انتظامی به دنبال پیش‌گیری از بزهکاری مواد مخدر است. البته باید گفت که این ستاد با «رویکردی قهرآمیز و سرکوبگر» به دنبال پیش‌گیری از دسته خاصی از بزهکاری - یعنی جرائم مرتبط با مواد مخدر - است تا از این رهگذر گامی در جهت کاهش میزان این گونه از جرائم برداشته شود.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که پیش‌گیری از بزهکاری از رهگذر این ستاد نیز جنبه سزاده داشته باشد. از این رو، اقدامهای ستاد مزبور پس از ارتکاب جرم به منظور جلوگیری از بزهکاری دوباره افراد اعمال می‌شود.

نتیجه‌گیری

مفهوم پیش‌گیری از بزهکاری به معنای مضیق هرچند در جرم‌شناسی دانش نوپایی است، امروزه سیاست جنائی سازمان ملل متحد^(۱) و نیز سیاست

۱. برای آگاهی بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، سیاست جنائی سازمان ملل متحد،

مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵، ص ۲۸۷ - ۳۵۵.

جنائی شمار زیادی از کشورها بر استفاده از آن برای کاهش میزان بزهکاری تأکید می‌ورزند.

کشور ایران نیز پیش‌گیری از بزهکاری را از یک سو به دلیل فزونی میزان بزهکاری و از سوی دیگر به دلیل ناکارایی پیش‌گیری واکنشی (کیفری) و در نتیجه به لحاظ عضویت این کشور در سازمان ملل متحد و شماری از کنوانسیونهای بین‌المللی - که به پیش‌گیری از بزهکاری اشاره کرده‌اند - از اهمیت بسزایی برخوردار است. با وجود اینکه برای کاهش شمار بزهکاری باید با رویکردی علمی - جرم‌شناختی و متمرکز به پیش‌گیری از بزهکاری نگریسته شود، ولی متأسفانه هنوز سیاست جنائی ایران در این زمینه در سرگردانی به سر می‌برد. این سرگردانی امروزه از یک سو قانون‌گذار ایرانی و از سوی دیگر قوه قضائیه را دچار سردرگمی کرده است. بدین صورت که با توجه به اینکه خبرگان قانون اساسی در قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم پیش‌گیری از بزهکاری را به قوه قضائیه محول کرده‌اند، ولی قانون‌گذار ایرانی هنگام تدوین قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۸۳ خورشیدی یا زمان تدوین قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی سال ۱۳۸۳ خورشیدی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را مأمور پیش‌گیری از آسیبهای اجتماعی از جمله بزهکاری کرده است در حالی که مطابق قسمت نخست بند ۵ اصل مذکور این مأموریت بر عهده قوه قضائیه نهاده شده است. قوه قضائیه نیز به عنوان متولی اصلی پیش‌گیری از بزهکاری در ایران با اتخاذ سیاستهای ناهمگون و متضاد در این زمینه نشان داده است که هنوز برداشت یکسانی از قسمت نخست بند ۵ اصل مزبور را نپذیرفته است. زیرا از یک سو از رهگذر آیین‌نامه ستاد حفاظت اجتماعی با رویکردی عملیاتی - اجرایی و عقیدتی - امنیتی به پیش‌گیری از بزهکاری نگریسته است که گویی این ستاد و قوه قضائیه در سطح اجرایی از همه امکانات برای پیش‌گیری از بزهکاری برخوردار هستند و از سوی دیگر

از رهگذر لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم با رویکردی مدیریتی پیش‌گیری از بزهکاری را مورد توجه قرار داده است. مطابق لایحه مذکور به منظور ساختارمند کردن و نظام‌مند نمودن شورای پیش‌گیری از بزهکاری در سه سطح ملی، استانی و شهرستانی پیش‌بینی شده است، تا از این رهگذر با تمرکزگرایی در مدیریت پیش‌گیری از بزهکاری، به رسمیت شناختن سیاست جنائی مشارکتی و بومی کردن سیاستهای پیش‌گیری از بزهکاری آمار بزهکاری در ایران با کاهش روبه‌رو گردد. همچنین، این لایحه برای نخستین بار تعریف و گونه‌های پیش‌گیری از بزهکاری - اعم از پیش‌گیری کنشی و پیش‌گیری واکنشی - را وارد پهنه مقررات ایران کرده است. بدین شکل که بر اساس بند الف ماده ۱ این لایحه پیش‌گیری از جرم عبارت است از: «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامهای لازم برای از بین بردن و کاهش آن.» و مطابق بندهای ب، پ و ت ماده مزبور پیش‌گیری از جرم به سه گونه «پیش‌گیری اجتماعی»، «پیش‌گیری انتظامی» و «پیش‌گیری قضائی» دسته‌بندی شده است.

بنابر این، لایحه مزبور با رویکردی علمی - جرم‌شناختی به دنبال عملیاتی کردن پیش‌گیری از بزهکاری است و از این رهگذر از نظر تدوین‌کنندگان لایحه مذکور قوه قضائیه تنها به عنوان مدیر پیش‌گیری از بزهکاری و با همکاری نهادهای دولتی - اجرائی و قوه قانون‌گذاری - به عنوان مجریان سیاستهای اتخاذ شده - می‌تواند به پیش‌گیری از جرم مبادرت ورزد. بدین ترتیب، از آنجایی که پیش‌گیری از بزهکاری امری ملی است باید با رویکردی ملی و فرابخشی به آن نگرست تا با مشارکت همه نهادهای عدالت کیفری مانند؛ نیروی انتظامی و دستگاه قضائی، نهادهای دولتی - اجرائی از جمله وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان بهزیستی و نهادهای جامعه‌وی و مدنی اسباب کاهش میزان بزهکاری فراهم شود.